

پیام مشترک بمناسبت اول ماه مه

جنگ کارگری در سال ۶۵

سال گذشته برای طبقه کارگران ایران دشوارترین سال طی سالین اخیر بود. کارگران در حالیکه سطح بسیار نا ارام دستمزدها و محرومیت های حقوقی دیگر به شدت رنج می بردند، با شروع سال ۶۵ مغلط بیسابقه ای مواجه شدند و آن تعطیل شما را قبل ملاحظه ای و اوجدهای تولیدی و اخراج وسیع کارگران بود. این مغلط چنان حا دوتگرا نی و درشده عملیات مغلط لیبات مبرم کارگران از قبیل افزایش دستمزد، حق تشکیل صنفی مستقل و قانون کار مترقی را تحت الشعاع قرار داد. در یکسال گذشته طبقه کارگران ایران زیر شدیدترین فشارهای اقتصادی و سیاسی، به مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی ادامه داد. اما در جنگ، با خرید و اخراج وسیع کارگران، تشدید شرایط ناخوشایند کار، اعزام جباری به جبهه ها و سرکوب پلیسی حرکات اعتراضی توده ای، مبارزه کارگران را در عرصه های زیر به همراه داشت:

به چه قیمتی؟

در نیمه شعبان، خمینی یکبار دیگر برادار همه جنگ کشف فرمان داد. او که برای بارهای از مقامات ریز و درشت رژیم سخنرا نی میکرد، بار دیگر برادار همه جنگ پای فشرده به مخالفان آن با شدت تمام حمله نمود. شدت حملات خمینی علیه مخالفان تنگ نشانه آن است که جنبش ملج روز بروز ضعیف تر و منسب می شود. برای آنکه جنبش ملج نیرومندتر گردد باید ابتدا دفاع همه ادا مه جنگ و دست جنایت جنگ طلبان در همه زمینه ها بیشتر شنا شده شود. در این راستا به گوشه ای از بی ادبانه های اقتصادی و اجتماعی فاجعه جنگ امانا ره می کنیم. حقایق که مدلل می کند که مردم و میهن ما در قبال ادا مه جنگ، چه بهیسی گزافی می بردا زند.

بیش از هفت سال از نیم است که جنگ ارتجاعی ایران و عراق ادا مه دارد. این جنگ که در آن کشتار رهنمای دسته جمعی و وحشیانه هر روز و هر ساعت ادا مه دارد با هزینه های سرسام آور و بی ضرکتترین غارتگری هیا همراه است. جنگ چقدر هزینه دارا و بول ادا مه آن از میلیونها تنگرا نی و کشته های سرسام آور که در این جنگ خدیش میوز دو بریا دمیرود، ادا مه می کند. ادا مه بویسه ه می کوشند منبع واقعی تا مین مخارج سرسام آور جنگ را از چشم مردم پنهان نا زند. اما واقعیتا بنسبته ادا مه ای جنگ میسر نمی شود مگر با غارت و چپاول فوق العاده، بیرحمانه و وحشیانه توده های مردم، یعنی کارگران و زحمتکشان میهن ما.

رژیم، طی سال گذشته برای ادا مه و گسترش جنگ کوشید علاوه بر استفاده جدا گانه از امکانات اقتصادی کشور، گروه های هر چه بیشتری از کارگران را روانه قتلگاه ها کند. سهمیه های اعزام به اصلاح دا وظایف بقیه در صفحه ۵

نظام مالیاتی غارتگرانه رژیم

همه ساله با طرح بحث های بودجه سالانه دولت در مجلس، سردمداران رژیم مطلق معمول با شعاع تا مین مناقع "مستضعفان"؟، در حقیقت طرح غارت دسترنج زحمتکشان را به مجلس می آورند. نمایندگان مجلس اسلامی نیز در حالی که اکثر تصاح برای حقوق "مستضعفان"؟ میزیند، سند غارت را تصویب می نمایند. ادا مه می دهند که میلیاردها ریال حاصل دسترنج کارگران و دهقانان، به کمک دولت و با نام بودجه سالانه به جیب مشتکی سرمایه دار و ملاک و آخوند سر ایزر شود.

امانیت شغلی و نیز بیمه بیکاری، قانون کار، دموکراتیک، قانون تامین اجتماعی، برخورداری از تشکیل صنفی مستقل و تحلل انجمن های اسلامی از جمله خواست های مهم کارگران بود.

تعطیل بسیاری از واحدهای مهم و با خرید و اخراج توده ای کارگران، نظامی کردن خط تولید، تسخیر زیاد ای زواحدهای صنعتی کشور، افزایش سهمیه اعزام اجباری کارگران نا غل به جبهه، تشدید شرایط پلیسی در محیط های کار و حذف بخشی از حقوق و مزایای شغلی کارگران، محرومیت اصلی سیاست های فدکا رگری رژیم در یکساله اخیر بود. این اقدامات با تدوین لایحه جدید قانون کار اسلامی، لایحه بیمه بیکاری، و لایحه بازنشستی و طرح با خرید کارگران و شنیدنیغات عوام مغربیا نه در دفاع از حقوق و منافع کارگران همراه بود.

آقای بازرگان و حکایت "سویاب اطمینان"

آقای بازرگان و "نفعت آزادی" ایشان با بی روزها سخت در تلاش و تکا پویند، اعلامیه ها، شکار نامه ها و کتابهای ایشان مدام منتشر می شود. فی الواقع، سرکوب خونین کمونیست ها و دیگر نیروهای انقلابی و مترقی و ظلمت استبداد ولایت فقیه، شب پره را باز یگر میدان کرده است. آقای بازرگان در باره "آزادی" قلفقوسا سی و سخن برداری می کنند و در نظر مردم خسود را، طرفدار سرسخت آزادی و حق کما کیت ملت ایران به معرفی می کنند و این همه ادعا در حالست که آنان به واداری خود به رژیم آزادی کش جمهوری اسلامی میبالند و خود ادا نه دارند که عدم سرکوب شان چیزی جز ادا نه خدمات شان به رژیم خمینی نیست. آقای بازرگان و "نفعت" شان نان خوینا وندی با رژیم خمینی و سازشکاری در قبال مردم کشی های آن را می خوردند. بقیه در صفحه ۲

از مبارزات کارگران نفت جنوب

از مبارزات کارگران نفت جنوب در صفحه ۸

در این شماره: * از کردستان قهرمان در صفحه ۲ * گسترده باد مبارزه انقلابی معلمان در صفحه ۱۰ * پیام احزاب برادر و سازمانهای مترقی به مناسبت سالگرد بنیادگذاری سازمان در صفحه آخر * کمیته های مردمی و انقلاب ما در صفحه ۱۰ * گرامی داشت هفتادمین سالگرد تشکیل حزب عدالت ایران در صفحه ۲ * نهمین سالگرد انقلاب نور گرامی باد در صفحه ۱۱ * پیام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به هجدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین در صفحه ۱۱ * برای دستیابی مشترک به حقیقت در صفحه ۶

گرامی باد اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران و زحمتکشان

به چه قیمتی؟
 یک خانه مناسب ساخت. تا زاده این رقم متعلق به پیش از یک سال ونیم پیش است طی این مدت ادا مه جنگ و سبزه همساران بی دربی موسسات اقتصادی و منازل سکونی، صادرات اقتصادی را به مبلغ قابل توجهی افزایش داده است. همپترا این خسارت انسانی یعنی صدها هزار کشته و صدها هزار زخمی و معلول و تلف شدن نیروی قابل کمیرونها جوان است که نه جبران بذر است و نه قیمتی برآمنتوراست.
 هزینه های سرمایه و جنگ ویرانگری بردوش کیست؟ بنا برآمر رسمی ودولتی، تقدیرنگی بخش خصوصی (یعنی پول های نقدی که در دست سرمایه سده داران و مفتخورها وانگلیها است) حدود ۴۶۰ میلیارد تومان در سال ۵۷، به ۱۰۰۰ میلیارد تومان در سال ۶۵ رسیده است یعنی این زانلوی خون آشام در تمام طول ساله های جنگ مشغول پروا شدن بوده اند. مخارج هنگفت جنگ را آنها نپرداخته اند. این هزینه ها از چساول و زحمتگان و غارت منابع و ثروت های ملی مایه دست آمده است.

حدود ۲۰۰۰ مرد در آمدنفت) از مردم ما لیا بگیرد. تبلیغات رژیم در مورد اینها اینک ما لیا تها را از سرمایه داران خواهد گرفت، دروغ بیشتر ما تهاست. با رتصا می این ما لیا تها نیز بردوش توده مردم است. سرمایه داران به اشکال مختلف از زیر بار ما لیا تها فرار میکنند و رژیم نیز این راه فرار را با زیر بار میگذارد. تا زه اگر چیزی هم از سرمایه داران بگیرند، سرمایه داران را بیدار نگینند برآمران را از جیب مردم بیرونی می کشند، مگر سرمایه داران از جیب می آورند. جده از راه بهره کشی و از راه به جیب زدن پول های نفت؟ در سال ۶۴ ۴۲۰ میلیارد تومان ما لیا تها دریافتی توسط دولت، سهم سرمایه داران فقط ۴۰ میلیارد تومان بوده است، یعنی کمتر از ۱٪. در کنگرا از ما لیا تها کیمرشکن، رژیم سده عنوان "کمک به جیب" نیز جیب مردم را به زور خالی می کند و از حقوق دستمزدها نیز آنرا آشکارا میزد و در تنور جنگ میپزد. بخش اعظم درآمد نفت نیز صرف ادا مه جنگ می شود. درآمد حاصل از فروش نفت ا سال شش ماهه حدود ۴ میلیارد دلار پیش بینی شده است. پیش ازینمی از این درآمد فقط صرف خرید اسلحه می شود. روزتا مه انگلیسی کار دین ما گذشته نوشت، رژیم خمینی هر ساله ۴ میلیارد دلار اسلحه از طریق یک شرکت واقع در لندن میخرد. این تنها بخشی از خریدهای تسلیحاتی رژیم است.
 صرف هزینه های هنگفت برای جنگ، باعث وخامت روزافزون زندگی زحمتگان و ویرانی وانهدام اقتصاد کشور شده است. کمبود کرائی پیدا نمیشد. قیمت ها به بطور سرسام آوری بالا می رود. کالاهای اساسی و مورد نیاز مردم در بازار پیدا نمیشود. تجار و روشکده گسترده متحکمان، مقامات دولتی و روحانی و مفتخوران با احتیاج و با جیب از راه، زحمتگان را وحشیانه غارت میکنند و بر ثروت های بی حساب خود می افزایند. در حالیکه ما داری روزافزون است، رژیم به دلیل بحران مالی و ادا مه جنگ از ما مینما به محتاج مردم سر باز می زند و کار خانات و صنایع موجود را نیز یکی پس از دیگری تعطیل کرده و کارگران را به خیانت ها میپزد. اکنون حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد نیروی فعال کار با بطور آشکارا بیستمان بیکار هستند.
 رژیم علیرغم تمام فشارهای که بر زحمتگان

وارد می آورد، قادر به تامین هزینه های جنگی نیست. بحران اقتصادی و مالی آن را رافرا گرفته و از این روبا زهم بیبرجانه ترا زبیش سرغارت مردم می افزاید. برای مقابله با این اوضاع نا ناسا مسان سردمداران رژیم به فکر "طرح نوین اقتصادی" افتاده اند. این طرح نقشه ای برای فلاکت و فقر بیشتر مردم است. آنها می خواهند با طرا ا مه جنگ شرایط با زهم سختتری را به مردم تحمیل کنند. تامین نیازهای معیشتی را به حد اقل برسانند، "الگوی معرنا را چنان تغییر دهند که مردم را به خوردن "نان خشک" عادت دهند و تا جایی که می توانند "نان خورده" را کم و کارگران و زحمتگان را بیشتر با بیکار رکنند. ادا مه جنگ روزهای تلخی را بر مردم میهن مسات تحمیل کرده است. روزهای گشتار و گرسنگی و بیکاری. گرسنگی قطع نفوی جنگ و سرنوشتی این رژیم متحدان نسه بسا نخیزیم این مصیبت ها را با یانی نیست. این رژیم آمده است تا آخرین نفرو آخرین دینار را را یی این کشور را پای آمال ارتجاعی و پلید خود قضا کند.

زمین ازان کسانی است که روی آن کار می کنند
 دهقانان زحمتکش اراضی کشت موقت ا طرح و گذاری اراضی کشت موقت یک طرح ضد دهقان است. رژیم می خواهد بخشی از زمین هایشان را از شما بگیرد و بخش دیگر را به شما بفروشد. زمین مال شماست، کسی حق ندارد آن را از شما بگیرد و با بی آن بولی از شما بخواد. از برداخت بول با بی زمین ها خودداری کنید. یک وجب از زمین ها را به مالک پس ندهید. سند مالکیت زمین باید بدون هیچ قید و شرطی بنام شما صادر شود. بر این اساس توفته رژیم نیست ایستادگی کنید. متحد شوید، شکل های انقلابی خود را بوجود آورید. به رهنمودهای فداییان خلق عمل کنید. خمینی در باره شما رزه متحدان شما هیچ غلطی نمیتواند بکند.
 سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

رژیم خود خلقی خمینی برای تامین مخارج عظیم جنگ که بخشی ازینمی از بودجه کشور را میبلند، روز به روز فشار بر سکارگران و زحمتگان میهن ما را تشدید می کند. کاهش شدید بهای نفت با عت شده است که رژیم فشار مستقیم بر توده مردم را با زهم عت افزاید. سسبال گذشته رژیم با شعار "سخت کردن کمربندها" و "صرفه جویی بیشتر به میدان آمد، امسال نیز وضع چنین است و حتی بدتر. مسئولین ریز و درشت رژیم با بی اعلام می کنند که ازان مردم خواهند سید و لیلی از مخارج جنگ در راهی نخواهند گشت. با کاهش بهای نفت، رژیم ما لیا تها گیری را تشدید کرده و از این طریق تا ن روز از سفره مردم می رباید و به کیسه کمپانی های اسلحه سازی آمریکا می واری می پزد. اکنون ما لیا تها رقم عده بودجه رژیم و هزینه ادا مه جنگ را تشکیل می دهند. طی چند سال ما لیا تها گیری چند براب شده است. در حالیکه در سال ۵۶، ما لیا تها تنها ۱۹ درصد عموماً را تشکیل می داد. این رقم در سال گذشته به ۵۶٪ رسیده و امسال قرار است به ۷۲٪ برسد. رژیم خمینی قصد دارد امسال ۱۱۳ میلیارد تومان (یعنی

بازرگان و شرکای مردم فریب او که مدافعان وفادار و صادق و دلسوز نظام جمهوری اسلامی هستند، همواره به مبارزه مردم زحمتکش علیه رژیم خمینی را قاطعانه محکوم کرده و به ویژه سرکوب کمونیست ها یعنی بهترین فرزندان کارگران و زحمتگان را با کمال صراحت و قاطعیت تا بنده می کشند و بخاطر همین جنون زد کارگری و ضد کمونیستی خویش با سسداران خونریز خمینی راه جیب سرکوب کمونیست ها و دیگر نیروهای مترقی مدعوت می گویند. بازرگان و معتمد است که عدالت انقلاب در آستانه انقلاب نروژیم شاه و وابستگان او بلکه کمونیست ها بوده اند و به صراحت می نویسند: "در آستانه انقلاب، ما جز محسودی ظلیل ما رگسیستیا و ما رگس مغان خدانقلاب نداشتیم" (انقلاب اسلامی در دو حرکت، ص ۱۷۶).
 بازرگان و همفکران ششکنجه های اسلامی (تعمیر) را علیرغم شرط و شروطی، شرعی و قانونی می شمارند. البته آقایان "آزاد بخواه" و "وظیفه خود می دانند" همچون منتظری توصیف کنند که تعزیر (کنجاسه اسلامی) باید طبق موازین شرعی و تنهایی با زانبات جرم و حکم دادگاه، یعنی پس از افضای آخوندهای جنایت پیشه ادا گاه های ارتجاع انجام گیرد و نه قبل از آن (قطعه نامه کنگره پنجم).
 در شرایطی که آوازه جنایات خمینی در اقصای عالم پیچیده است، در شرایطی که بهترین فرزندان مردم دست سده تشری از ان می شوند یا در کنگره گاه های خمینی قطعه قطعه میگردند، در شرایطی که سده زندانیان آشکار و پنهان رژیم ایشا شده از دهها هزار زندانی سیاسی است، در شرایطی که حتی محافل ارتجاعی و ضد کمونیست جهان نیز نمی توانند بر جنایات جمهوری اسلامی پزده بگشند و رژیم خمینی در تمام محافل و مجامع و در پیش افکار عمومی بشریت معاصر محکوم می شود، آقایان "آزادی خواه" و مدافع حق کابیت ملت ایران!؟ لایزال نیست نمی گشاید. با بد سید تا نیا نجا نفع "آزادی" بسا شما تاکنون برای شیت در تاریخ حتی یک قطعه نامه یا پیشنه برای محکوم کردن کشتار و انقلابی سسون توسط رژیم خمینی به مجامع بین المللی ارائه کرده اید؟

اصول قانون اساسی و باز کردن سوپا های اطمینان بسمنزه ایط ادا مکاناتی است که اشخاص و گروه های صنعتی و جمهوری اسلامی (منظور خود با زرگان و داروستانه) بتوا نند هم رنجه و دردها و ناراحتیهای مردم را بیگونی تودم در خدمات ووظیف شرکست و همکاری نمایند... (بیکار) هم دولت مردان صادق و نا آگاه را بخود می آورد و هم مردم با مشاهده امکان بیان رنجه و دردها و چاره رهی هایشان کمی آرامش پیدا کرده و از پناه بردن به ادروی دشمنان ایران و اسلام خودداری می نمایند" (نشریه "بیک نهفت" شماره ۱۲) زیرا "اگر مردم احساس کنند که امنیت و آزادی نندارد... لاجرم احتمالاً عصیان و شنجنا تی بوجود خواهد آمد. مگر نه دولت مردان را خود بخود نسه مردم را خوش آیند یا شد" (بیک نهفت شماره ۲۸) جوهر حرف با زرگان و شرکای و در همین است: "با بی سوپا های اطمینان ندرست کردنتا "عصیانها و شنجنا تی" صورت نگیرد، با بد یا بنه سیر بریدتا مردم بطرف کمونیست ها و دیگر نیروهای مترقی رونیا ورتند و جمهوری اسلامی استمراریا بد. شک نیست که مردم ما به آزادی نیاز دارند، شک نیست که همه نیروهای ترقیخواه با بد در راه این آماج بیکار گشته. اما چگونه؟ مردم و نیروهای انقلابی و مبارز برای تامین صلح و آزادی راهی جز نبرد علیه رژیم خمینی نمی بینند و تا بین آزادی را در گروان بودی این رژیم می دانند. کسانی چسبون با زرگان که زیر علم "آزادی" یا بیگیری دنبال بسا ز و تترین رژیم ولایت فقیه هستند امروز به دقت وسیله بهره برداری استبداد حاکم هستند. آقای با زرگان در حالی استفاده از "سوپا های اطمینان" را به رژیم توصیه می کنند که رژیم خود مدت ها ست روی فعالیت ایشان به مشا به یک "سوپا اطمینان" حساب باز کرده است. واقعیت ایست که "نهفت" آقای با زرگان بسا رحایل است که امروز نتقی "سوپا اطمینان" را برای رژیم ایفا کند و توصیه "سوپا اطمینان" به رژیم نیز از نظر نهفتی ها چنین معادل توصیه خودشان است. سیاست آقای با زرگان برای تامین "آزادی" از راه تعبیر "سوپا اطمینان" یک عوام فریبی بسیار خنده وراست. اما جنبه مضحک آن همه جا و همیشه صادق نیست. آنجا که نا آگاهی وجود داشته باشد چه بسا سیاست "سوپا اطمینان" هم جماعتی را به خود مشغول کند. تاریخ ایشا کرده است که هر قدر استبداد دیشتر و مردم ارزیمی بیشتر متفلسر باشند هر قدر مردم قریبی مردم قریبان هم افزونتر می شود. امروز افشا این سیاست های در ظا هر آزادیخواه تها و در عمل خدمتگزار رژیم ندرت توده های مردم، آگاه کردن توده ها به محتسوی طبقاتی و انگیزه سیاسی این سیاستها و نشاندادن راه واقعی تامین خواستهایشان یک وظیفه در گن تا بد سیر است.

باقای بازرگان و حکایت...
 بازرگان و واقعیتی آشکار است که همه مردم آگاه و آرا زاده دنیا رژیم جمهوری اسلامی را بعنوان یکی از خونخوارترین، درنده ترین و آزادی کش ترین رژیم های جهان معاصر می شناسند. تقریباً همه سازمانها و بنیادهای بین المللی و ملی و صلح دوستی هر یک بطرفی سندی در محکومیت رژیم خمینی به دلیل نقض فاحش و آشکار استادی ترین حقوق بشری ما در کرده اند. اکنون ندرت مردم جهان رژیم خمینی در اسامی مثلثی قرار دارد که دو عضو دیگر آن رژیم پینوشه و رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی تشکیل می دهند. آیا برای مردم ما تعجب آورو نیز خنده و ر نیست که آقای با زرگان و "نهفت" ایشان با تا شید چنین رژیم می خواهند علم "آزادی" خواهی را به کف گیرند؟
 بازرگان در یکی از مصاحبه های خود می گوید: "با توجه به تسلطی (حکومتیان) دارند و با توجه به عدم آزادی مطبوعات و ممنوعیت گرد همایی و فعالیت های اجتماعی دیگر، هیچگونه اپوزیسیونی نمیتواند فعالیت داشته باشد و اگر می بیند که جز ما هنوز وجود دارد... شاید به آن دلیل است که ما صمیمانه به رژیم وفاداریم" (مصاحبه با زرگان با خبرنگاران فرانسوی - بهمن ۶۴).
 این اولین و آخرین بار نیست که بازرگان وفاداری صمیمانه خود به رژیم خمینی را با صدای بلند استعاره اعتراف می کند. وفاداری با زرگان و همفکران او به رژیم سروای خمینی نه صرفاً از سر صلاحت اندیشی و فرست طلبی، بلکه قبل از هر چیز با طرینا تسع طبقاتی و اعتقادات مذهبی آنها است. آقای بازرگان خود سالی علیه کمونیست ها و در راه "حکومت اسلامی" مبارزه کرده و خود را از متولیان این نظام مسوده است در قطعه نامه کنگره پنجم نهفت آزادی مریحما گفته شد: "نهفت آزادی همواره معتقد به آمریست دین و احکام خدا بر حکومت و سیاست بوده و با تفکیک دیانت از سیاست... مبارزه کرده است" آقسسای با زرگان نیز مثل خمینی به اصطلاح "اصول عالیله اسلام" و "وحدت جهانیت مسلمانان" را بنشانه اصول پرمانما و خود ذکر کرده و هدف ایده آل خود را "حکومت و فعالیت الهی بر طبق الگوی حضرت ختمی مرتبت و شاه ولایت" اعلام کرده است. (کتاب انقلاب اسلامی در دو حرکت صفحه ۱۹۶) آقای با زرگان نیز از سردمداران جنون زد کارگری و ضد کمونیستی است و مارکسیسم و مارکسیست ها را "شیطان اکبر" می داند. او نیز مثل خمینی کارگر ستیز و مدافع منافذع سرمایه داران و تجار و رنکار است و چوه اشتراک با زرگان با خمینی دهها بار بیشتر از زوجوا خلاف آن است و از همین روست که "نهفت آزادی طرفدار دلسوز و مدافع نظام جمهوری اسلامی است" (قطعه نامه کنگره پنجم) آنها "احترام به مقام رهبری" را یکی از اصول برینما خود قرار داده اند و همواره تا کید کرده اند که هرگز قصد "تضعیف رهبری و جبهه ها" را نداشتند و ندرتند.

قانون اساسی رژیم جمهوری اسلامی که سند قانونیت استبداد ولایت فقیه و بندگی مردم است مورد تا شید با زرگان است.
 تالی با زرگان این است که در چاره رچوب قانون اساسی رژیم ولایت فقیه، به یک شرک و کفر محکوم رسمی و همه جانبه تبدیل شود. از همین روست در مقام یک "سیاسی مردم مسئول" راه چاره و حفظ "جمهوری"... را نشان ملاحظه می دهد و آنها را نصیحت می کند: "سیاست ها و روش های نادرست دولت مردان ممکن است معترضین و مخالفین معتقد و متعبد به جمهوری اسلامی را به جرگه دشمنان خود دهد... هم منظور که بستن هم راه های اعتراض و مخالفت و عدم تبعیض به قانون اساسی، چنین خطراتی دارد، متعین بسا

از کردستان قهرمان

نزدیک به هشت سال از مقاومت قهرمانان خلیج دلاور کرد در مقابل تبهکاران ریهای جمهوری اسلامی میگذرد، و امروز در سراسر کردستان سنگینیت کهرنگی از خون پیشمرگهای خون دل ما در و خوناب دیدهخواهری بر آن نقش بسته باشد.

جمهوری اسلامی، با تکیه بر ۲۰ هزار سرباز زوپا سدار و صدها پیگه و قرا رگا و هوا دگا نکرده است را بدسرزمین اشغال شده مبدل نمود، اما متضوتا جنبش مقاومت را در همه یکنوا و امروز پس از هشت سال کشتار بیامانه، در مناطق وسیعی از کردستان، علم زرد رنگ خمینیتنها تا غروب آفتاب بر سرپا ست و هر شاگه همرا با غروب خورشید، ستارها کمیت و لیلی قبیله "خوشده" با سداران جهل و جنايت حتى درینا گهاها که با انواع سلاحهای امریکایی و اسرائیلی حفاظت می شود، از ترس شیخین پیشمرگها، خواب راحت ندارند.

خمینی چه آنروز که در اوج اقتدار فرمان سرباز جنبش ملی را ما در کردوچهها مرز کرده به متا به یک جلا د تبهکار در مقابل دریا ی چشم نرفرت مردم ایران قرار داد، و متواست و بخواست این حقیقت را بفرمده که با تکیه بر سرتیزه نمینوا خلیج را از مبارزه با زدا شد، خمینی از مقاومت حماسی خلق کرد تنها این نتیجه را گرفت که شیوه های قرون وسطایی که او ز خلفای عرب و شاهان ایران به ارث برده، در دنیای امروز برای دردمشگستن خلقی که در راه هدیهایی ترین حق خود حق تعیین سرنوشت - می چنگدگانی نیست و باید علاوه بر تاج ره خلیف و سلاطین خونخوار از "تاکتیکها" و رهنمودهای فاشیستها و دیگر سرکوبگران و خونخواران پرورد سراما به داری نیز بهره جوید.

حاصل این درایت پدرا تدا ما امت "آن شده که در کتا را عدا میهای دسته جمعی بدست امثال خلخالها که در گذشته تنها شکل تجلی حاکمیت "اسلام عزیز" در کردستان بود، امثال لایب و شیوه های بر شیوع، روا نشنا - سانه و پیچیده سرکوب، اعمال فشار و مقابله با جنبش توده ای بدست دژخیمان خمینیتها بگرا بسته شد: "سربازگیری اجباری به یک شیوه منظم و نا بست اعمال فشار تبدیل گردید و در مقابل فرا روز افزون سربازان کرد، در کتا را اعمال فشار شدیدا خنا نوا ده، شیوه ذی دلانه خدمت در محل بگرا بسته شد تا در ظا هر به سرباز زکرده اکتون به "جاش - سرباز" تبدیل می شده امتیازی داده شود. در واقع مقدمات کشتار و "پیشمرگ کرد" به دست سرباز زکرده قرا هم شود.

"تسلیح اجباری" تر فنند دیگری است که در کتسار "سربازگیری اجباری" بوسیله رژیم بگرا بسته می شود. زحمتکشان روستا را و اداری می کنند که با سلاح آنها مسلح شوند و مسئولیت جنگیدن با عزیزان پیشمرگ خود را بر عهده گیرند و در مقابل مقاومت مردم، علاوه بر آنکه

نظام مالیاتی...

تاسال ۶۲، مطابق ارقام رسمی، تقریباً ۴۰٪ مالیات های غیر مستقیم را مالیات بر واردات و ۱/۱۰٪ آنرا مالیات بر مصرف و فروش تشکیل می داده است. اگر توجه کنیم که واردات کشور ما، اولاً بر اساس ارز حاصل از فروش نفت تا مین می شود، روشن می گردد که با کاهش درآمد نفت و به تبع آن کاهش واردات، از مالیات بر واردات نیز کاسته می شود. البته دولت با افزودن بر مالیات همان مقدار کالایی که وارد می شود و نیز افزایش مالیات بر مصرف و فروش، این کاهش درآمد را جبران می نماید. اگر در گذشته مالیات بر واردات بخش اصلی مالیات غیر مستقیم را تشکیل میداد، اکنون وضع دگرگون شده است. طبق برآورد بودجه سال ۱۳۶۶ و بنا به گفته زنجانی وزیر برنامه و بودجه "۳۰٪ مالیات بر درآمد مالیات های غیر مستقیم ۲۴۰ میلیلیارد ریال (۴۰٪ مالیات بر واردات و ۶۰٪ یعنی ۳۵۹ میلیلیارد ریال مربوط به مالیات بر مصرف و فروش است.

حاصل افزایش مالیات غیر مستقیم، گرانمایی سرام و ورکا لاه و خدمات است.

مالیات های مستقیم نیز که میبایستی بنا به ادعای سران رژیم با افزایش گرفتن بخشی از مالیاتی که توسط کلان سرمایه داران و بزرگان مالکان تجارت می شود، به نفع بودجه دولت در تبدیل درآمد ها نقشی داشته باشد، بیسه وسیله غارت بیشتر کارگران و زحمتکشان تبدیل شده است. یعنی حقوق بگیران و کسانی که درآمد ثابت دارند، عملاً بیشترین مقدار مالیات مستقیم را پرداخت می کنند و این رقم متوا افزایش یافته است. بیسه طوریکه سهم سانه مالیات بر حقوق که در سال های ۵۶ - ۱۳۵۰ نسبت به متوسط مالیات بر درآمد محذوق بگیران و صاحبان مشاغل آزاد ۸۵/۱۵ درصد بود، در دوره ۶۲ - ۱۳۵۷ به حدود ۷۲ درصد افزایش یافته است. یعنی بطور متوسط نسبت به قبل از انقلاب سانه ۲۵ درصد رشد کرده است. حتی روزنامه های رژیم نیز مجبور شده اند اعتراف کنند که سیستم مالیاتی رژیم سرب سرب عدالتی استوار شده است. در این زمینه روزنامه بهمن که کیان ماه ۶۵ نمونه ای بیسی را ذکر می کند که ما تنها به یکی از این نمونه ها اکتفا می کنیم. در آنجا از کارمندی صحبت می شود که بیش

دهقان بینوا را با قطع سهمیه قند و روغن و غیره تحت فشار اقتصادی قرار می دهند، به فتودا لیا و تر جمیع منطقه می سپارند تا با اجادنا امنی " ضرورت تسلیح را توجیه کنند.

"کوچ اجباری" حیلۀ ذی دلانه دیگری در مقابله با جنبش توده ای است و رژیم هر از گاه می کند نسبت به اهالی یک روستا احساس شک و نگرانی کند، آنها را از زمین و روستای خود جدا کرده به مناطق دیگر "کوچ" می دهد تا جنبش توده ای را از سازمانیایی محروم سازد.

"نگینانی اجباری" سیاست دیگری در منطقه است. رژیم تحت پوشش "حفظ امنیت روستا" اهالی را وادار می کند که نگینانی اجباری بدهند و در مقابل فرزندان و برادران پیشمرگ خود با بستند.

توده های مردم کردستان که در نتیجه سانه مالیات و در سانه بر روشنگریهای مستمر ریهای سیاسی، از حدی لایی از تجربه و دانش سیاسی برخوردارند، در مقابل اشکال متضوع فشار و سرکوب با بی سسردی و دلاوری مقاومت می کنند: مقاومت در مقابل "سرباز گیری" یکی از اشکال جدی مبارزه مردم کردستان است.

امروزه گزیمه های رژیم علیرغم آنکه هر روز صدها روستا و هزاره ها خا نروستا یی را جستجو می کنند، غالباً با دست خالی و گولۀ برای از دشنا مونا سازه با سگام های او بردار می گردند. در این مبارزه متشن زنا و بهه و بهه ما خا ن گرد بر سانی سوندنی است. مردم در مقابل فشار اقتصادی و تحریکات فتودا لیا ایستادگی می کنند و رنج گریستی را بر هفت پذیرش سلاح رژیم ترجیح می دهند و مقاومت در مقابل "نگینانی" و "کوچ اجباری" وسیع و همگانی است.

رژیم خمینیتنها برای اجاد نا پیگه و اجتماعی "در کردستان دست در سانه ای با نده های با واگشا فتودا لیا و روستا مرجع پاره ای از اعتبار بر گذاشت. اما مین تلاش مذبحا ناه و تکا به فتا که های اجامی می، برای رژیم با پیگه و اجامی فرا هم نکرد. اما به توده های مردم کمک کرد تا چهره گریه فقهای حاکم را به روشنی ببینند و به قضا نیت مبارزه خود پیش از پیش ایما ن بیا و رند. فشار جنبش توده ای رژیم را وادار نمود که در اینجا و آنجا عقب نشینی کند و به "گذشتنی" تن بدهد و از جمله امثال محدود و معینی از فعالیت فرهنگی را جایز بداند. روشنگران، روشیا کرد از این فرصت بویسی استفاده کرده، با انتشار شمار ای از آثار ادبی به زبان کردی، بیگیا ردیگرا ادبیات را در خدمت مبارزه توده ها گرفتند.

خلق کرد، در هشت سال مبارزه مداوم علیه جمهوری اسلامی با تکل ریهای عدیدهای روبرو بوده است: آثار جنگ، بحران اقتصادی و اقدامات تبهکارانسه رژیم در کردستان از همه جا شدید تر سوسود و هست. زحمتکشان کرد در حالی به پیشینیایی همه جا نبه از جنبش انقلابی ادامه می دهند که غالباً بیخه گرسند و خوار و از ابتدای ترین ایگانا تر زندگی بی بهره اند. خلق کرد از آثار شوم جنگ ارتجاعی خمینی با مدام بیش از

از ۱۲ سال است کار می کند. به ساعت افافه کار و حق اولاد و سربازها، ظاهر با بد مبلغ ۸۰۰ ۰۴۱ ریال در لیدریا فت کند. ولی این کارمندین از کم سسرات مربوط به بیمه، سنا و نی کارمندین در قرض الحسنه و سنا و نی ممکن و غیره فقط مبلغ ۱۲۲۹۷ ریال دریافت می کنند. از کل مبلغ کسر شده، سهم مالیات ۱۱۵۰۰ ریال بوده است. یعنی تقریباً معادل مبلغی که در واقع به دست رسیده، مالیات بردار خسته است. این نمونه ای از واقعیت زندگی میلیون ها حقوق بگیر میهن ما است.

روزنامه کیان در همان شماره می نویسد: "حقوق بگیران ۴ برابر بر شاغل آزاد مالیات می دهند: در حالیکه سهم متوسط سانه مالیات بر شاغل آزاد از کل مالیات بر درآمد در دوره ۵۶ - ۱۳۵۰ ۲۶/۷ درصد به ۱۸/۷ درصد پس از انقلاب کاهش یافته است. یعنی بطور متوسط سانه ۳۰ درصد کاهش داشته است. به بیان دیگر، مالیات حقوق بگیران مرتبا افزایش یافته ولی مالیات صاحبان مشاغل آزاد سرمایه داران نیز تزلزل کرده است. حال اگر توجه کنیم که مشاغل آزاد در سال های بعد از انقلاب با حمایت آخوندهای درآمد های نجومی دست یافتند و ابعاد فاجعه روشن تر می گردد.

مقدار نقدینگی موجود در دست بخش خصوصی که اساساً در دست تجار، ملاکین و سرمداران رژیم - متمرکز شده به ارقام نجومی رسیده است. این مبلغ که در سال ۱۳۵۷ برابر ۲۶۱۳ میلیلیارد ریال بود، در سال ۱۳۶۵ تحت توجهات "رهبر مستقفا"؟! به ۱۰۲۲۹ میلیلیارد ریال یعنی به بیش از یک تریلیون (هزار میلیلیارد) تومان رسیده است. آیا بابت این درآمد های آسانه ای، مالیات بردار خسته است؟ زنجانی وزیر برنامه و بودجه اعتراف می کند که: "در یک برآورد در بخش خدمات حدود ۵۰۰ هزار میلیلیارد ریال مالیات اخذ نشده وجود دارد."

بطور خلاصه می توان چنین بندی کرد، بیش از نیمی از درآمد های مالیاتی از طریق مالیات های غیر مستقیم یعنی افزودن بر قیمت ما یحنا ج عمومی زحمتکشان دریا فت می شود. علاوه بر آن بخش زیادی از درآمد های مالیاتی مستقیم از شرکت های دولتی گرفته می شود، که نهم چیزی جز دریافت غیر مستقیم مالیات از زحمتکشان نیست. بدین ترتیب بیش از

همه در رنج و عذاب است و هر روز شهرهای مختلف کردستان آماج گلوله های سنگین توپخانه و بمباران هوایی قرار دارد. شهرهای مرزی با نسه مرزبان و بیبرانشهرزیرگولوبار ان مداوم سسدام نیمه ویران و تقریباً خالی از سکنه شده اند. تنها در سیمایران های دی ما شهروندان صدها تن از سسرمد بیدفاع کشته، مجروح و بیخانمان شده اند.

تداوم درگیری یعنی بسین حزب دموکرات و کومله یکی دیگری از قضیتهای متضاب بار کردستان است. از آغاز این درگیری برادر کشی بیش از دوسال می گذرد، در این مدت عده زیادی از آریسمترگه های خلق کسرت بدست یکدیگر به شهادت رسیده اند و انرژی و امکانات قابل ملاحظه ای از جنبش خلق در راهی بکلی نادرست به هز زرفته است. از ادا ماین جنگ تنها رژیم سسود می برد. شواهدی در دست است که نشان دهنده اقدامات رژیم در راستای ادامه این جنگ برادر کشی است.

پذیرش بی قید و شرط آتش بس و آغاز مذاکرات برای دست یابی به توافق پایدار، تنها راه دموکراتیک و عادلانه برایان درگیری های حزب دموکرات کردستان و کومله است. سازمان ما قویا از این راه حل پشتیبانی می کند و زمان آغاز ظرفین را به قطع فوری درگیری های بیخایت زیا نبخش فرا خوانده است.

جنبش خلق کرد، در شرایطی که مقاومت در مقابل فشارهای حاکم دست یازید که هنوز بخش های عظیمی از توده های مردم در سانه بر تقاطع ایران در تروهم عیبی نسبت به رژیم، از ان پشتیبانی می کردند. اما امروز شرایط بکلی تغییر کرده است. طبقه کارگر و زحمتکشان سانه بر تقاطع ایران در مقابل رژیم تبهکار خمینیتنها به جنبش ملی و دموکراتیک خلق کرد به ناه به ختسی از مبارزه خود می نگرند و همیت پشتیبانی از این جنبش را بیش از پیش درک می کنند. از سوی دیگر خلق کرد، در نتیجه سانه مبارزه و سوبیزه در جریان ۸ سال بیگیا رمد و مبارزه خمینیتنها از هر زمان دیگری درک می کند که تنها در پیوند با مبارزات سانه بر تقاطع های ایران در راستای سرنگونی رژیم و استقرار حاکمیت انقلابی است. توانا بدست تعیین سرنوشت، دست یابد و سنا خود بیستی را متحقق سازد.

سازمان ما که حق تعیین سرنوشت را از حقوق مسلم بدیعی و اولیه هم خلق های کشور کثیرا امله ایران می داند، از مبارزات خلق که تنها در پیوند با جنبش ملی می کنند و در راستای تقویت همه جانبه این جنبش و تحکیم پیوندهای آن با جنبش سراسری مردم ایران از هیچ تلاشی فروگذار نمی کند. ما عمیقاً اعتقاد داریم که سنگر انقلابی کردستان با بدیطور همه جانبه و با همه امکانات و با بهره گیری از همه اشکال مبارزه تقویت گردد. همگاری و اتحاد سازمان های انقلابی و ترقیخواه در کردستان امروز موثرترین راه حفظ و تحکیم این سنگر انقلابی و تبدیل آن به تکیه گاه و نیرومند تر برای جنبش سراسری مردم ایران است.

۷۵ درصد درآمد های مالیاتی از زحمتکشان بردار خست می کنند. تنها کمتر از ۲۵ درصد درآمد مالیاتی سانه ما بحران مشاغل آزاد دریافت می گردد. یک کارشناس امور مالیاتی می گوید: "با بدامکانات تشخیص مالیاتی کشور روی برنده های محدودی متمرکز شود که بیشترین توان بردار خست مالیات را دارند. یعنی ملاحظاتی عظم امکانا ت مالیاتی روی حدود ۱۰۰ هزار نفر برنده مالیاتی متمرکز شود که بیشترین توان بردار خست مالیات را دارند. "معنای عامه فهم اظهارات این کارشناس این است که مشتقی سرمایه دار و ملاک و آخوندها دهک صاحب سرمایه های کلان و زمین های وسیع و متعاحب کنندگان اصلی بیش از یک تریلیون تومان به نفع خود هستند و ما بیستی با راطلی مالیات را بردوش داشته باشند. تحسنت حمایت رژیم جمهوری اسلامی و تحت توجهات خلیفه جمانا کمترین مالیات را بردار خست می کنند. اینست محتوی واقعی نظام مالیاتی رژیم جمهوری اسلامی.

مدت پخش بر نامه های رادیو زحمتکشان ایران دو برابر شد. بر نامه های رادیو زحمتکشان ایران گوش فرادید.

رادیو زحمتکشان ایران، صدای زاده کارگران و زحمتکشان کشور و صدای سرحق تمام محرومان میهن است. رادیو زحمتکشان ایران هر روز از ساعت ۷ بعد از ظهر به مدت یک ساعت روی آوا ج کوه است ردیف های ۲۸ متر، ۴۹ متر و ۶۰ متر برنا مه بخ می کند. این برنا مه در ساعت ۸ عصر همان روز و صبح روز بعد ساعت و طول موج رادیو زحمتکشان ایران، صدای رسای سطح و آزادی را با طربسپا رید، وقت و طول موج آن را به همه بگوید و در همه جا بنویسد. برای مکا تبه رادیو زحمتکشان ایران به آدرس نشریه "کار" ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تا مبنویسد.

پیام مشترک بمناسبت اول ماه مه

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و کمیته مرکزی حزب توده ایران، با پرشورترین سلامها و درودها روز اول ماه مه (۱۱-۱ اردیبهشت) روز همبستگی خلیل نا پذیرکار رگران و زحمتکشان جهان را به شما مبارزان پیگیر و آشتی ناپذیر راه آزادی، استقلال صلح و سوسیالیسم صمیمانه شما مبارزان می گویند.

در کشورهایی که سوسیالیستی که حکومت در دست است و زحمتکشان را قرار داده، جشن اول ماه مه روز نمایش دستاوردهای عظیم سوسیالیستی به سود صلح و دموکراسی در سراسر جهان است. در اردوگاه سرمایه داری، کارگران و زحمتکشان روز اول ماه مه را زیر شعارهای صلح، دموکراسی و سوسیالیسم علیه امپریالیسم و استعمار برگیر می کنند.

شماره‌های سوسیالیسم که رژیم‌ها بنا بر سیاست‌های وابسته با خصومت خودکار مکی قرون وسطایی است مانند دوران شاه زبرگزار این جشن توسط کارگران به شدت جلوگیری می شود. دلیل این مخالفت، دشمنی آشکار سران جمهوری اسلامی با آزادی و حقوق کارگران است. بی جهت نیست که با گذشت هشت سال از انقلاب شکوهمندی، نه تنها کوچکترین گامی در جهت بهبود وضعیت کارگران برداشته نشده، بلکه سبب بدتر شدن دستاوردهای صنفی آنان که طی سالها مبارزه پیگیر و خونبار به دست آمده بود، آشکارا کدمال و بی‌سعه فراموشی سپرده شده است.

رژیم برای با یمال کردن حقوق کارکنان، دهقانان و دیگر زحمتکشان و تحمیل جنگ، بیگاری، فقر و بدبختی به آنان از زمان نخستین سال‌های انقلاب به دشمنی با نیروهای انقلابی، احزاب و سازمان‌های مترقی و دمکراتیک کشور پرداخته، یورش و جنایت‌ها به حزب توده ایران و یورش دهنده‌ها به سبب سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بی‌انگرمایت سرگوبگر رژیم و ستیزگانه‌ان با آزادی‌های سیاسی و حقوق دمکراتیک کارگران و زحمتکشان میهن ما است.

کارگران و رگستر جمهوری اسلامی در دشمنی آشکار با تشکل‌های مستقل کارگری و منعم فعالیت‌ها و تشکل‌ها، اتحادیه‌ها و کنترل شدید کارگران و سبب‌ها و دشمنی سرگوبگر، عملاً کارگران میهن ما را از داشتن و با یمال دفاعی در برابر برتعدیات و زورگویی‌های کارفرما و سایر محروم کرده است. در جمهوری اسلامی هیچ قانون و مرجع قانونی برای دفاع از حقوق کارگران وجود ندارد.

مبارزات کارگران برای خاتمه جنگ و بیرون‌کردن رژیم استوار، جلوگیری از تعطیل کارخانه‌ها، راه‌اندازی واحدهای زکا رفته، اما نفع از با زبردت‌خواج کارگران و نیز مبارزه آنان برای حقوق مطالباتی، چون افزایش مناسب دستمزدها، اجرای واقعی طبقه بندی و شغل و بهبود شرایط کار

گرامی داشت هفتادمین سالگرد تشکیل حزب عدالت ایران

۱۲ اردیبهشت ماه ۱۰ سال برابر است با هفتادمین سالگرد تشکیل "حزب عدالت ایران" تشکیل "حزب عدالت" و کارنامه فعالیت انقلابی آن، برگی درخشان و نقطه عطفی برجسته در تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی ایران محسوب می‌گردد. حزب عدالت بمناسبت نخستین حزب کارگری جمهوری آیدئولوژی مارکسیسم-لنینیسم، در میان کارگران ایرانی قفقاز زویویزه کارگران ایرانی شاغل در نفت با کوبی بی‌شائبه با کورگان آنروزگار بجهت وجود معدن نفت، برای کارگران بیگانه ایرانی محل مناسبی جهت یافتن شغل بود و از همین رو هر ساله عدد زیادی، خصوصاً از آذربایجان و استانهای شمالی کشور به آنجا رهسپار می‌شدند. در با کوا زروشنفکران انقلابی گرفته تا تجار ایرانی بسیار بودند. در اوایل قرن بیستم بیش از ۱۲۰ (ویس قولی ۳۰۰ هزار) کارگر داخلی ایرانی در صنایع نفت و دیگر صنایع بزرگ و کوچک قفقاز زکا رشتنسال داشته‌اند. کارگران ایرانی در قفقاز زبذل امکان دستیابی به تجارت انقلابی کارگران روسیه، بدلیل شرکت فعال در ترمای جنبش‌های کارگری و در انقلاب ۱۹۰۵ روسیه و نیز شرکت فعال در انقلاب مشروطیت ایران از نظرمیزان آگاهی انقلابی در سطح نسبتاً خوبی قرار داشتند. حزب عدالت نتیجه منطقی تکامل مجموعه جنبش کارگری و سوسیال-دموکراسی ایران، بلافاصله پس از انقلاب فوریه و سرنگونی تزاریم در روسیه، در میان همین کارگران ایرانی قفقاز رسماً اعلام موجودیت کرد.

بنیانگذاران و اعضای کمیته مرکزی و کارهای مسئول "عدالت" انقلابیون (عدالت کارگران انقلابی) بودند که با آنها کار در معادن نفت و دیگر مراکز تولیدی و یان زندگی در کویهای کارگری و با شرکت

رفاها اجتماع به شدت سرکوب می شود. سبب اینها را رژیم مملو زکارگران مبارز و معترض و مدافعان پیگیر حقوق صنفی و سیاسی آنان است. تعطیل بسیاری از واحدهای مهم تولیدی و توزیعی بسیاری از خطوط تولید برای سفارش‌های نظامی و جنگی و نیز اجرای سیاست ضد انسانی "کم‌کردن نان خور" موجب افزایش هر چه بیشتر مصروف ارتش عظیم بیگاران شده است.

رژیم جمهوری اسلامی بنا بر سیاست اقتصادی و اجتماع ضد دمکراتیک و ارتجاعی خود، امنیت شغلی را از کارگران و زحمتکشان سلب کرده است. در شرایط کنونی تهدید بیگاری به حره‌ها در رک گوشت دم‌توی از میان کارگران و فروتنان نندن جنبش اعتراضی و اعتصابی آنان بدل شده است.

سیاست‌های رژیم در راستای جنگ مهم‌ترین عامل تخریب وضعیت اقتصادی، سبب اصلی تعطیل کارگاه‌ها و کارخانه‌ها، اخراج‌های بی سابقه، عامل تهدید زندگی خانواده‌ها، عامل از خود بیگاری و تبا‌های ارزش‌های معنوی جامعه است.

کارگران و زحمتکشان قهرمان ایران! می‌توان و باید به جنگ تمام‌سوزی با ن دادواز کشتار فزونی‌تر نوجوانان و جوانان و زویرا نی‌بشتر کور، از تشدید بیگاری و فقر و پریشانی بیش از پیش خانواده‌ها جلوگیری کرد و با موش‌گردان آتش جنگ به صلح منطقه و جهان کمک کرد.

با بدتر آستان اول ماه مه با تجدید نیرو و تشکیلهای تحکیم اتحادیه‌ها کارگران واحدهای مختلف تولیدی، کارگران بیگارا و خراجی و دیگر زحمتکشان و کاربرد شیوه‌های مختلف مبارزه مانند کم‌کردن، تحمیل، اعتصاب، اعتراض و تظاهرات، ما شین جنگی رژیم را از حرکت بازداشت. در این مبارزه همه نیروهای مترقی و صلح‌دوست جهان با ورودیدگان رشتا هستند. کارگران و زحمتکشان ایران!

رژیم کارگرس‌تیز جمهوری اسلامی در یکسال گذشته تلاش فراوانی کرد، با استقاده از شرایط جنگی، نهادهای تفرقه‌اندا ز سرگوبگری ما را زرد جنبش کارگران میهن ما در دفاع از حقوق خود کرده. اما این تلاش‌ها با مقاومت و مبارزه کارگران مواجه بود.

اعتراضات فزاینده کارگران علیه سیاست با زوید و اخراج‌ها و مراجعات دسته‌جمعی آنها به ارگان‌های حکومتی برای دفاع از حق کار و حفظ شغلی موجب گردید که رژیم در بسیاری موارد در برابر اعتراض و مبارزه متحد کارگران به عقب‌نشینی تن دهد.

کارگران و زحمتکشان ایران! مهمترین خواست‌های سیاسی، صنفی و رفاهی شما در مرحله کنونی مبارزه با رژیم کارگرس‌تیز ولایت‌فقیه‌ها رشتند:

قطع قوروی جنگ تمام‌سوز و آزادی زندانیان

فعال در مبارزات انقلابی آبدیده شده بودند. کمیته مرکزی عدالت از ۱۲ تن از برجسته‌ترین انقلابیون تشکیل می‌شد. نخستین رهبر حزب، انقلابی نامدار اسلام‌گرا زاده اردبیلی از جمله است انقلابیونی بود که از نخستین سال‌های قرن بیستم در انتشار رایگرای لنینی (به عنوان مسئول رساندن نسخ اصلی رایگرا از تبریز به باکو) فعالیت شرکت داشت. غفار زاده که از سال ۱۹۰۵ به عضویت حزب بلشویک پذیرفته شد در میان کارگران ایرانی با کوبچهره شناخته شده‌ای بود و بعنوان یکسای از اعضای اصلی هسته رهبری کننده جنبش‌های کارگری در باکو (در سال‌های جنگ) فعالیت داشت.

برنامه اساسی حزب عدالت در ۱۶ فصل و سه زبانهای فارسی و آذربایجانی تنظیم شده بود. برنامه از دو بخش حداقل و حداکثر تشکیل می‌شد. نخستین ارگان "عدالت" مجله "بیرق عدالت" بود که به سردبیری خود غفار زاده منتشر می‌شد. ادو روزنامه "حریت" به ارگان حزب تبدیل گشته در "حریت" نویسندگان برجسته مارکسیست، چون سید جعفر جوان‌زاده، پیشه‌وری، محمدسید رفویا، آقا بابا یوسف زاده و دیگران قلم می‌زدند. حریت از ژوئن سال ۱۹۱۹ تا مه ۱۹۲۰ به سردبیری پیشه‌وری انتشار می‌یافت.

کار در داخل کشور، گردآوری شده‌ها و کارگرس و رنجبرد زریک پرچم و سبج آنان به مبارزه انقلابی، نخستین هدف عدالت را تشکیل می‌داد. حزب به بهیای جان ندهد از کارهای خود موفق شد شبکه تشکیلاتی خود را در تبریز، تهران، مرند، خوی، مشهد و... گستراند. "عدالت" جزئی انترناسیونالیست بود. این حزب مبارزه برای رهایی میهن خود را جدا از مبارزه برای سرنگونی تشکیلهای ارتجاع جهانی یعنی رژیم تزاری و استقرار حکومت طبقه کارگر در روسیه نمی‌دانست و از این رو در مبارزه کارگران روسیه

سیاسی، نامین آزادی‌های دمکراتیک، شیک، به رسمیت شناختن سندیکاها و اتحادیه‌های مستقل کارگران، تدوین قانون کار و تاناجت‌ها اجتماع مترقی با شرکت تمام بندگان واقعی کارگران، افزایش دستمزدها، متناسب با هزینه زندگی، اجرای طرح مترقی طبقه بندی شغل، نامین بهداشت و درمان و آموزش را بیلگان، نامین مسکن مناسب و توسعه تعاونی‌های مسکن و مصرف کارگری.

رفقای کارگرو فدان کارگری! بسیج کارگران و زحمتکشان پیرامون خواست‌های سیاسی، صنفی و رفاهی کارگران یکی از مهم‌ترین وظایف شما در محیط‌های کارگری است. شما با تشکیلهای هسته‌های مخفی واحدهای تولیدی به ویژه در مراکز بزرگ صنعتی و کتاهای تولیدی مبارزه کارگران را در جهت تحقق شعارهای مطالباتی آنها رهبری و هدایت کنید، این هسته‌ها در یافتن شعارهای بسیج‌گرمنا سبب محیط کار و روستن روحیه کارگران رست دادن مبارزه آنان در جهت هدف‌های بزرگتر نقش تعیین‌کننده و سرشت‌ساز دارند. کوشش در راه همگامی و اتحاد عمل بین همه عناصر مترقی و انقلابی در محیط کار که علیه رژیم و در راه منافع طبقه کارگر مبارزه می‌کنند و با جدیت با زوید کارگری از جمله وظایف مبارزانه شما است.

پیروزی در راه ما مین این خواست‌ها به میزان شکل و سازمان یافتگی شما بستگی دارد. با حمایت‌ها و گردان‌های پیشاهنگ طبقه کارگران ایران، صفوف مبارزه جویا نه خود را در امر سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و انتقال قدرت به خلق تقویت کنید. کارگران و زحمتکشان!

با ردیگر فرارسیدن اول ماه مه را به شما اردوی کار و زحمت صمیمانه تبریک گفته و برای شما پیروزی در پیکار علیه این رژیم مرتجع و جنگ طلب آرزوی کنیم. نیروی عظیم و طفرنمون اتحاد شما توده‌های رنجبر، سرانجام پیروزی رها می‌را از آن خلق متحد شده خواهد ساخت، نظام منحط سرمایه‌داری را به کور خواهد سپرد و فرادای روشن صلح و آزادی را برقرار خواهد ساخت.

فرخنده با داوول ماه مه سرنگون با جمهوری اسلامی پیروز با دمبارزه کارگران و زحمتکشان

کمیته مرکزی حزب توده ایران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) فروردین ۱۳۶۶

کمیته مرکزی حزب توده ایران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) فروردین ۱۳۶۶

کمیته مرکزی حزب توده ایران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) فروردین ۱۳۶۶

علیه بورژوازی و اشغالگران خارجی فعالانه شرکت می‌جست. رهبران عدالت محبوب کارگران انقلابی با کوبودند و کارگران انقلابی آقا بابا یوسف زاده (از رهبران عدالت) به نمایندگی از سوی کارگران باکو در کنگره ششم حزب بلشویک - که مسئله تقیام مسلحانه و انقلاب سوسیالیستی را در دستور کار خود داشت - شرکت جست.

عدالت در سال ۱۹۲۰ کنگره حزبی خود را در بندر انزلی برگزار کرد و در همین کنگره تشکیل حزب کمونیست ایرانی رسماً اعلام شد. از این تاریخ حزب عدالت جای خود را به حزب کمونیست ایران داد که خود مرحله دیگری در تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری ایران محسوب می‌شود.

هفتادمین سالگرد تشکیل حزب کمونیست عدالت فرصتی دیگر برای گرامی داشت خاطره نخستین رهبران حزب طبقه کارگران ایران و درس‌آموزی از تجارب تاریخی جنبش کمینال کمونیستی و کارگری در میهن ما است.

روزگار گرامی یادبعنوان روز تعطیل رسمی اعلام شود. * نامین اسلامی منحل باید کرد.

* کارگران پیشرو هسته‌های مخفی کارگری را زمان دهد. از همه کارکنان علنی برای سازماندهی مبارزات کارگران استفاده کنید.

* کارگران شاغل و بیگارا با نامین حق بیمه بیگاری مبارزه‌ها را علیه اخراج و تضییع امنیت شغلی یکبار چهره‌تر کنید.

* کارگران ایران متوقف کردن سیل اخراج‌ها علیه جنگ برای خیزید.

* قانون کار با پدمدافع حقوق کارگران باشد. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

کارگران پیشرو! هسته‌های مخفی کارگری را سازمان دهید، از همه امکانات علنی برای سازماندهی مبارزات کارگران استفاده کنید

برای دستیابی مشترک به حقیقت

محتوی برآمده از گفتارهای مشترک ملی حزب توده ایران از خط مشی حزب در سالهای ۶۱-۵۷

ضرورت سرنگونی رژیم خمینی با هدف اجرای تحولات انقلابی و دمکراتیک در راستای سوسیالیسم، مبارزه قاطع و پیگیرانه ای برای تأمین وحدت جنبش رگزی و کمونیستی ایران را می طلبد.

سازمان ما در این راه پیگیرانه مبارزه می کند، بلیتوم وسیع فروردین ماه ۵۶ کمیته مرکزی سازمان با تصویب قطعنامه "وظایف مبارزه در راه وحدت جنبش کمونیستی و رگزی ایران" بر تحقق این هدف تأکید ورزید. در اجرای این قطعنامه به هیأت سیاسی کمیته مرکزی طی مصوبه ای درباره سیاست سازمان در مناسبات با حزب توده ایران که در کا در مناسبات دوسالانه با رگزیست لنینیست و انترناسیونالیست قرارداد، تصریح می کند که: "اتحاد عمل، همکاری، مشاوره و همکاری های فیمابین که از طریق اتحاد تصمیم های مشخص صورت می گیرد در خدمت تقویت جنبش انقلابی جاری و با هدف نیل به تأمین وحدت سازمان و حزب حول برنامه، اساسنامه و خط مشی انقلابی واحد انجام می گیرد." منظور ما منظره ای مبارزه در راه وحدت جنبش کمونیستی ایران که لازمه آن مبارزه با هرگونه انحراف راست و "چپ" و حفظ پاکیزگی سیاسی رگزیست لنینیست در جنبش است، با بدهیم مشاوره و مباحثه منظم بین سازمان و حزب صورت گیرد و مباحثه علنی مسئولانه و ریفیقا نه بر سر موارد اختلاف متعین در موضع گیری های رسمی سازمان و حزب در سطح جنبش، طبعاً در شرایط گوناگونی یعنی در فقدان برنامه و اساسنامه و اتحاد انجام

وحدت سازمان و حزب امری غیراصولسی است. در چنین شرایطی اهمیت دادن به مشاوره ها و همکاری در سطح رهبری سازمانهای جنبش کمونیستی ایران بر برقراری تلاش های وحدت طلبانه می افزاید و پیگیری مسئولانه و متعهدانه این امر به بهبود مناسبات فیمابین یاری می رسد. با بدتاً کید کرد که هر حزب و سازمان سیاسی و انقلابی در برابر تکیه مبارزاتی خود در معرض اشتباهات و انحرافات کوچک و گاه بزرگ قرار دارد. زندگی سیاسی و اجتماعی همواره در حال تغییر و تکامل است، بی نهایت طبقه کارگر کمونیست از تبیین و پاسخ گوئی درست به تناقضات گسترش یافته سیاسی و طبقاتی سازمان با رزمیادنیاسوا سطح تمکین و دنباله روی از تمایلات افسارگریز پرولتاری نتواند نهد و وظایف انقلابی خود عمل کند. ما در این حال روند زندگی و گسترش پرولتاریه را با شما امکان داد تا از تری برای کشف حقایق تازه و تصحیح و تدقیق ارزیابی ها و اشتباهات از خطاهای گذشته فراهم می آید. ما می توانیم و با بدی این امکان را با زنا سیم و در فضائی ریفیقا نه و خلاق برای تحکیم وحدت صفوف خود و صفوف همه کمونیستهای میهنمان بهره گیریم. این کار نیاز به جنبش انقلابی ما است.

درس گیری از خطاهای و تجارب مثبت و منفی با بدیاجارت و مرا جت انقلابی و با نهیات بدت و احتیاط لازم صورت گیرد. جمیع بدت نادرست از اشتباهات و تجارب مبارزه به جنبش آسیب می رسد، تجزیه همه جانبه به مواضع درست و اصولی را دشوار می سازد و از گسترش نقوذ و پراکنیک مبارزه سیاسی و طبقاتی در میان توده های می تواند.

بر اساس این سیاست صحیح و اصولی مقاله حاضر می گوید که جنبش کمونیستی ایران در باره ارزیابی از خط مشی حزب در سالهای ۶۱-۵۷ با مورد بررسی قرار داده ضرورت تصحیح آن را مدلل سازد. قبل از تصویب اساسنامه جزو کوششهای معین بین سازمان و حزب صورت گرفت تا ارزیابی واحد از جمع بدت برای تیک گذشته بدست آید. متأسفانه در ارزیابی، اختلاف نظر بدید آمد. پس از برگزینی بلیتوم وسیع فروردین ۶۵ و کنفرانس ملی حزب توده ایران این اختلافات در شکل اساسی در سطح جنبش انتشار یافت، اکنون ضروری است که منباحتات بر سر خط مشی و برنامه و اساسنامه بدت شده حزب و سازمان بمنظور دستیابی به ارزیابی واحد با شکل مختلف از جمله مباحثه علنی در سطح جنبش ادا می یابد.

* * *

پس از انقلاب بهمن ۵۷ بجای رژیم پوسیده سلطنتی، رژیم جایگزین آن شده که اهمیت و خط مشی آن بورژوازی بود. هیأت حاکمه جدید فاقد بدت و سمت گیری مردمی بود و املاحتی که از سوی آن مطرح می شد، فاقد بنسداد و پیگیری و قبل از هر چیز در خدمت خلق سلاح نیروهای کمونیست و انقلابی و تحکیم حکومت روحانیت بود. ماهیت، ترکیب نیروهای متشکله هیأت حاکمه، ساختار سیاسی، بی با جرتای رژیم پوسمت گیری عمومی آن مشخص می کرد که رژیم قادر نیست به خواستهای اساسی توده های پاسخ گوید.

روحانیت به رهبری خمینی که نقش اصلی را در قدرت سیاسی جدید بر عهده داشت از همان ابتدا پیگیرانه در صدد استقرار رژیم تشوکراتیک (ولایت فقیه) بود. روحانیت به رهبری خمینی در پی براندازی پایگاه شاه و سلطه نظامی و سیاسی امپریالیسم آمریکا مواضع انحصاری روحانیون را از طریق رفتارندم جمهوری اسلامی، تبدیل مجلس موسسان به مجلس خبرگان، تصویب قانون اساسی ارتجایی، اجرای نقشه فدا انقلاب فرهنگی، سرکوب خلقهای ترکمن، کرد، ... و بالاخره طرد مخالفان حاکمیت انحصاری خود، از قدرت، تحکیم می بخشید و با گسترش بدت بدتیا جبات تازه علیه سازمانهای ترقیخواه و انقلابی موفقی شده در نیمه نخست سال ۱۳۶۵ رژیم تشوکراتیک و استبدادواختناق سیاه قرون وسطایی را مستقر سازد.

در راستای تحکیم و تثبیت حاکمیت قرون وسطایی ولایت فقیه و سرکوب فاشیستی نیروهای انقلابی و مترقی، در ملتقای سالهای ۶۱-۶۲ سران جانیکار و مرتجع رژیم بیورش و حشیانه و تشیکارانه ای را علیه حزب توده ایران به اجرا گذارند. عده کثیری از افاضیها و داران و اکثر افسار رهبری حزب با زداشت و مورد شکنجه های وحشیانه قرار گرفتند. رویدادهای فوق مدلس می کرد که سمت اصلی تحول جمهوری اسلامی علیه اتحاد خلق، تشدید و پراکندن آن بود. اما سیاست حزب در قبال این تحولات چه بود؟

حزب توده ایران طی سالهای پس از انقلاب بهمن در کا در سیاست اتحاد و اتحاد با "پیروان راستین" ما م "فعالیت می کرد. این خط مشی در تحقق اهداف سیاست حزب نمودار است. اتحاد با دیگر نیروهای انقلابی و مترقی را کسدر تقابل و مخالفت با رژیم قرار دادند تا مین کند. چرا که خمینی و پیروان (مجموعه مکلای) او نه تنها هرگز به تلاش های حزب که تحکیم و گسترش انقلاب بهمن را مد نظر داشته است، با پاسخ مثبت ندادند بلکه علیه متحدشدن خلق عمل می کردند. بیورش گسترده و نا جوانمردانه پیروان خط امام به حزب و قیقا نه ترین تجلی کمونیسم ستیزی رژیم خمینی و پاسخ مستقیم او به خواست و علاقه پیگیر تمام می مطلق، دستجات سرما به داران و ملاکین بزرگ و امپریالیسم بود. این

بیورش و بی آمدهای ناشی از آن در جریان مظهر عینی و مستقیم ناکامی و شکست خط مشی و برنامه حزب (و ایضا سازمان ما) نیز بود.

پس از پشت سر گذاشتن عوارض مستقیم ضرایب، بررسی و نقسادی خط مشی و برنامه حزب و سازمان منظور درس گیری از تجارب آن بوظیفه ای جدی تبدیل شده بود که می با بدت به آن پاسخ گفت.

در فروردین سال ۶۵ بلیتوم وسیع کمیته مرکزی سازمان، سند "درباره سیاست و برنامه سازمان در سالهای ۶۱-۵۷" را به تصویب رساند. این سند که حاوی ریشه ارزیابی ها و نتیجه گیری های معین است، در تری ماه ۶۵ مورد بررسی شد. حزب توده ایران نیز در خرداد ۶۵ کنفرانس ملی حزب را برگزار کرد و سند "ارزیابی خط مشی حزب توده ایران در سالهای ۶۱-۵۷" را تصویب نمود و در شهریور ۶۵ منتشر ساخت. مهمترین و کلیدی ترین مسئله مورد بررسی اسناد مذکور همانا ارزیابی از روحانیت به رهبری خمینی و چگونگی برخورد با وی می باشد. در این رابطه اسناد بلیتوم و کنفرانس ارزیابی ها و استنتاج های متفا و متسی ارائه داده اند. مسلماً ما از هرگونه انتقاد صلی و سازنده به سند بلیتوم وسیع استقبال می کنیم. هم اینکه بحث ما حول آن اسناد و درباره علل تشویریک خطاهای مربوط به خط مشی و برنامه در سازمان ما جریا ن دارد.

کنفرانس ملی حزب توده ایران خط مشی سیاسی حزب در چهار سال پس از انقلاب بهمن را بطور کلی به دوره زمانی تقسیم و مورد بررسی قرار داده است. بخش نخست از انقلاب بهمن تا پس از رویدادهای سال ۶۰ را در بر می گیرد و بخش دیگر از مقطع یاد شده تا هجوم به حزب در پایان سال ۶۱ را شامل می شود. کنفرانس ملی، علیرغم پذیرش برخی از اشتباهات خط مشی حزب را در دو سال و اندکی پس از انقلاب بهمن مجدداً مورد تأیید قرار می دهد. گرچه بررسی و نقسادی کنفرانس ملی در مورد دوره پس از استقرار رگزیست تشوکراتیک تدقیق نیست چرا که تأیید مجدد خط مشی حزب در دوره اول، متعلق نمی تواند در برخورد غیر دقیق نسبت به سیاست دوره دوم امتداد دنیا بد. اما آنچه در مورد توجه عمده ما است همان دوره اول است.

در بررسی دوره علمی و رگزیستی لنینیستی با خط مشی و برنامه در سالهای پس از انقلاب، قبل از هر چیز با بدیده که ماهیت طبقاتی، اهداف سیاسی و برنامه ای و سمت گیری حاکمیت جدید پیوره روحانیت به رهبری خمینی چه ارزیابی، تحلیل و استنتاجی ارائه می شود. اسناد مصوب کنفرانس ملی درباره روحانیون شیعه و روحانیون به رهبری خمینی و پایگاه اجتماعی و طبقاتی آنها می گوید:

"روحانیون شیعه یک قشر اجتمایی دهها هزار نفری بودند که با یک گاه اجتماعی آنان را خرده بورژوازی، بورژوازی تجاری، بزرگ مالکان، کلان سرمایه داران تشکیل می دادند و در این حال به لحاظ ایدئولوژی و احسد دارای منافع صنفی مشترکی بودند... جناح محافظه کار روحانیت که عمدتاً بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران تکیه داشت، در هر اس از اوج گیری نهفت انقلابی با رژیم شاه از درسا زین در آمد. اما جناح دیگر به رهبری خمینی که بیشتر از خرده بورژوازی و بیورژوازی تجاری متاثر بود، در موضع ضد سلطنتی و فدا میریالیستی (به ویژه امپریالیسم آمریکا) قرار گرفت. مبارزه این جناح از روحانیت به موازات او جگیری جنبش توده ای وارد مرحله جدیدی شد."

کنفرانس ملی می گوید "با پیروزی انقلاب بهمن، کلیه جناح های هیئت حاکمه سابق از حاکمیت برکنار شدند و قدرت سیاسی به طیف وسیعی از نمایندگان (مجموعه مکلای) خرده بورژوازی، لایه های بی با بدی، بیورژوازی تجاری و بیورژوازی لیبرال منتقل شد که در حاکمیت گذشته شرکت نداشتند. کنفرانس ملی می فرماید: "نمایندگان طبقه کارگر و بخش مهم سایر نیروهای انقلابی و دمکراتیک در قدرت سیاسی نشاندند و این نقطه ضعف اساسی انقلاب بهمن بود."

کنفرانس ملی ضمن برشمردن اقدامات حاکمیت جدید از جمله "اخراج مستشاران و برجیان پایگاههای نظامی آمریکا در ایران، ملی کردن ۷۰٪ صنایع بزرگ متعلق به سرمایه داران بزرگ داخلی و انحصارهای خارجی و در اختیار گرفتن حدود ۶۰۰ مؤسسه صنعتی کوچک توسط دولت، ملی کردن بانکهای خصوصی... تصویب قانون اصلاحات ارضی... افزایش دستمزدها... سبکسازد دولت درباره زرگان خارجی... خروج از پیمان سنتو... و غیره... نتیجه سه می رسد که "برخی از اهداف ملی و دمکراتیک انقلاب توسط حاکمیت جدید تحقق یافت"

کنفرانس ملی آنچه را که باید به عمل درآید تا همه اهداف ملی و دمکراتیک انقلاب تحقق یابد چنین بر می شمرد:

برنامه حزب (منظور برنامه مصوب سال ۶۱ کمیته مرکزی حزب است) افزون بر اینها خواهد نامین استقلال کامل اقتصاد و سیاسی ایران، برجیسندن بقایای مناسبات ما قبل سرمایه داری و اتحاد دستگیری سوسیالیستی و دمکراتیزه کردن حیات سیاسی و فرهنگی کشور بود. کنفرانس ملی شرط عمده تحقق موارد فوق را "ایجاد بدیهه متحد خلق با شرکت همه نیروهای ملی، مترقی و انقلابی و از جمله روحانیت مترقی شرکت کننده در انقلاب" می داند.

کنفرانس ملی از روحانیت مترقی شرکت کننده در انقلاب "نام برده و آنرا جزو نیروهای ملی و دمکراتیک و بدیهه متحد خلق" بحساب می آورد. سند کنفرانس ملی این روحانیت را جزو نیروهای تحت رهبری خمینی می نماند و به نقل از اسناد بلیتوم ۱۶ می گوید حزب پس از انقلاب "دست یابی به هدفهای فاز نخست انقلاب را در گرو تشکیل بدیهه متحد با اتکا به طبقه کارگر و سایر زحمتکاران شهروستا و با شرکت حزب توده ایران، سازمان چریکیهای فدائی خلق ایران، سازمان مجاهدین خلق ایران و نیروهای تحت رهبری خمینی، گروههای مترقی روشنفکران و بخش دمکراتیک سرمایه داری ملی بر پایه برنامه مشترک می دانست" (تأکید از ما است)

بدیهی است تا زمانیکه نیروهای ملی و دمکراتیک "در آن شرایط تحت رهبری خمینی و روحانیون پیرو او مبارزه می کردند نمی توانستند با نقش و عملکردی خلاف خواستهای این رهبری و اهداف و سمت گیری های وی داشته باشند. مهمترین وظیفه اتحاد بدی سیاسی روشن برای گسست و جداسازی نیروهای ملی و دمکراتیک "از خمینی و روحانیون پیرو او بود. کنفرانس ملی به این نکته مهم و اساسی توجه نکرده است. در رابطه با ضرورت و وظیفه عمده سیاسی این بدیهه می گوید: "بنظر حزب توده ایران این بدیهه می با بدت مدی در برابر تلاشهای سازکارانه جناح سرمایه داران لیبرال ایجاد می کرد. ما اعتقاد داشتیم "تنها از این راه می توان به این هدف رسید که همه مردم... از نتایج محسوس و مشخص انقلابی که با خون خود به پیروزی رسانده اند، بهره مند شوند"

واقعیات مسلم تاریخی نشان می دهد که علیرغم عدم تشکیل بدیهه پیشیندای حزب توده ایران در آن سالها، روحانیت به رهبری خمینی با هدف دست گیری ارتجایی خود متفا بر با هدفی که حزب در آن سالها تصور می کرد و کنفرانس ملی بر آن انگشت نهان کید کرده، از یکسو درباره ارتجایی سازکارانه جناح سرمایه داران لیبرال "سدا بجا دکر، و از سوی دیگر توده های وسیع

مردم را با فاجعه بزرگ شوم چون رژیم ارتجاعی و قرون وسطایی و لایسنت فیکری و روبرو ساخت رژیمیکه مسبب بزرگترین دردها و آلام جنگ و ویرانی، بیگاری و سقوط فرهنگی و غیره است.

خمینی و روحانیت پیرو او از فزونی تر رفتن انقلاب ایران ندامت و ندامت سیاسی و نظامی امپریالیسم و اقدامات ضدانقلابی را سرانجام دادند. آنها از همان فردای پیروزی انقلاب با دیکتاتوره کردن حیات سیاسی و اجتماعی و مسخ مخالفت برخاستند و جهت انفرادی نیروهای انقلابی، هیچ قدرتی را از دست ندادند و برای قبضه همه قدرت بدست خود و استقرار رژیم تئوکراتیک و "جامعه اسلامی" علیرغم اینکه تمام دل قوا در جامعه اجازه استقرار رفواری آنرا نمیداد، دست بکار شدند.

در حکومت جدید روحانیت حاکم به رهبری خمینی قبل از همه برای تأمین منافع روحانیت بمناب یک تئوکراسی مبارزه می کرد. این روحانیت در عین حال منافع طبقاتی بورژوازی تجاری با زار، خرده بورژوازی سنتسی و مالکان ارضی را منعکس می کرد و حاصل گرایشهای متفاوت این نیروها بود و بیشترین پیوند را نیز با آنان داشته و مستقیم و غیر مستقیم وسیع بر اساس این ارزیابی ها تا کید می کند:

ما هیت و سمت گیری حکومت جدید بورژوازی بود. این حکومت در عین حال منافع نیروهای طبقاتی حاکم، یعنی از همه در خدمت سرمایه داران بازاری است. قرار می گرفت و در پی استقرار ولایت فقیه بود، لذا انقلاب را با شکست روبرو می ساخت.

اما سند کفرانسی ملی از جنبین استنتاجها و تحلیلها و دوروختی بیگانه است سند کفرانسی ملی ارزیابی نادرستی از انقلاب و روحانیت پرهیبر خمینی و هدف آن یعنی استقرار حاکمیت انحصاری روحانیت ارائه داده است. خمینی سالها قبل هدف اصلی سیاسی خود را تأمین منافع قشر روحانیت و ایجاد حکومت مذهبی مشخص کرده بود. خمینی کتاب "ولایت فقیه" خود را که اساسا در خدمت توضیح و تشریح جنبین حکومتی قرار داد در نیمه دوم دهه ۴۰ منتشر کرد. ساخته هیچ کس در آن سالها این "رویا" را جدی نمی گرفته هنگامیکه خمینی در راه براندازی حکومت شاه و رژیم سلطنتی و براندازی سلطه سیاسی و نظامی امپریالیسم رژیم می کرد و توانست در این جنبین و انقلاب و حاکمیت جدید قرار گیرد، این اتویی عیب می نمود، بویژه آنکه با الزامات عینسی و اجتماعی را در جاده و در شرایط جوش و خروش انقلابی توده ها و سرنگونی قهرآمیز رژیم سلطنتی که کلیت فوج آئینه محسوب میشدند بق نداشتند. ما خمینی و روحانیتون پیرو او با تمام قوا و با تمام نورهی گوناگون و حیل و گری های مختص خویش با تکیه بر آگاهی نازل توده ها و اعتماد دوسیع آنان با طرد سرکوب گسترده و بیگبیره مخالفان مختلف خود، آنچه را که اتویی بنظم می رسید، به واقعیت مسلم تبدیل کردند. گرچه خمینی و روحانیتون پیرو او از ستانه انقلاب و پیروزی آن و در شرایطی که تعرض انقلاب به مواضع امپریالیسم و ارتجاع سرنگون شده ادامه یافت، وعده های بسیار و شعارهای رادیکیال مبنی بر برآورده ساختن خواسته های اساسی توده های مردم می دادند، اما آنها اغلب از آنچه که بنفع توده ها بعمل در می آمده است بزرگانه بسبب حفظ بایع توده های خود و قبضه انحصاری قدرت و "تخصیص" و گسترش حاکمیت بلائنا زیع خود سپهر برداری می کردند. بدون درک و شناخت اهداف و وسعت گیری روحانیت پرهیبر خمینی و این ویژگی انقلاب که در رهبری آن جنبین روحانیتی قرار گرفته است اصولا نمی توان تحلیل و ارزیابی صحیحی از پیروزی انقلاب بهمین و علل شکست آن ارائه داد. بویژه آنکه نمی توان نقادی کاملی از علل شکست خط مشی سیاسی ویرانه پستیانی از خمینی ارائه کرد.

طبعاً با ارائه جنبین ارزیابی ها نمی توان خط مشی سیاسی پستیانی از حاکمیت روحانیت به رهبری خمینی (در همان دور نخست مورد توجه کفرانسی ملی) را درست و اصولی نامید. سند پلنوم وسیع فروردین در مورد سیاست درست پس از پیروزی انقلاب بهمین جنبین می گوید:

"با پیروزی انقلاب بهمین هدف استراتژیک ما در مرحله انقلاب ملی - دیمکراتیک مردم ایران تحقق نیافت و بقوت خود باقی ماند. سیاست درست در این راستا نیز همچنان مبارزه در راه بسیج توده های خلق تحت رهبری خود و مبارزه در راه اتحاد نیروهای چپ و دمکراتیک و گسترش آن به اتحاد همه نیروهای خلق و تأمین همونی طبقه در آن و انتقال قدرت به این طبقه آلترا تئوی بود."

سند پستیانی می گوید که سازمان از آنجا که بر این باور نبود که حکومت خمینی می تواند خواسته های اساسی توده های قیام کننده را بر آورده سازد پستیانی حکومت خمینی نبود. این سیاست درست بود، اما سازمان نمی بایست در پستیانی از اقدامات حکومت جدید خلغ یداز سرمایه داران بزرگ وابسته و براندازی مواضع سیاسی و نظامی امپریالیسم تردید نشان می داد. و در باره دوره ای که از تصویب قانون اساسی بقایا ارتجاعی جمهوری اسلامی آغاز می گردید نیز می فرماید:

"... سیاست ما می بایست همچنان عدم پستیانی از حکومت... می بود. ما سند کفرانسی ملی بر اساس تحلیلها و ارزیابی های خود به نتایج زیرین می رسد: "نمی توان بین سیاست جناح بورژوازی لیبرال و جناح معینی از روحانیت که در موضع مشابهی با آن قرار داشتند با جناح دیگری که بر آورده ساختن بخشی از آماج های انقلاب را ضروری می شمرد اعلامت تساوی گسندارد. نیروهای جناح اخیر به پیروان "خط امام" مشهور بودند که بخش قابل ملاحظه ای از آنها دارای بایگه اجتماعی خرده بورژوازی بودند و مآخصلت دو گانه داشتند. در جنبین اوضاع و احوالی پیروی از اصل "اتحاد و انتقاد" یگانه شیوه درست مبارزه بود. این اصل توسط حزب ما در قبایل کل جناح از حاکمیت که دارای بایگه توده ای بودند مورد توجه نیروهای انقلابی و دمکراتیک بکار گرفته می شد."

سند کفرانسی ملی در پی نتیجه فوق الذکر از شرکت حزب توده ایران در رفواند جمهوری اسلامی و دیگر همه پرسی ها و... دفاع کرده و می گوید: "شرکت حزب توده ایران در همه پرسی ها و انتخابات با مطرح شده از سوی رژیم مدم در جیا رجب همین سیاست "اتحاد و انتقاد" انجام می گرفت و اضافه می کند که حزب با حفظ نظریات و نتقادات خود و تفکیک نقاط قوت و ضعف هر برنا مه رژیم در همه پرسی ها شرکت می کرده است. لذا "تحریم یک جانبه این انتخابات و همه پرسی ها که توده های میلیونی مردم دا طلبانه در آن شرکت می کردند، جزا نروای سیاسی ما نتایجی نمی توانست برده داشته باشد."

این تحلیل از یکسو برای جلوگیری از انزوای حزب همه پرسی های رژیم را مورد تائید قرار می دهد و از سوی دیگر بر ضرورت مقابله با اصل "ولایت فقیه" تا کید می یورد. سند می گوید: "اصولاً این بود که حزب اصل ولایت فقیه را قاطعانه و بطور صریح مردود اعلام می داشت. برواض است که رد قاطعانه اصل ولایت فقیه بدون افتکاری های بیگبیره سیاسی در تمام مراحل و هشدارهای مکرر در باره خطرات عظیمی که با پیاده شدن آن متوجه انقلاب و توده های مردم

بود، نمی توانست عملی گردد. دلایل و توضیحاتی که در سند کفرانسی ملی در مورد شرکت و تائید "نظر خواهی ها، همه پرسی... آمده است در ارتباط مستقیم با خط مشی اتحادی روحانیت به رهبری خمینی قرار دارد. دادن رای حتی با حفظ نام اتحادیه قانون اساسی که در سرلوحه آن ولایت فقیه قرار دارد با رد قاطعانه آن منافات ندارد.

واقعات و مدلل می سازد که افشای اهداف و سمت گیریهای ارتجاعی خمینی توسط نیروهای انقلابی و مترقی علیرغم نفوذ گسترده خمینی در میان توده ها و ذهنیت و سطح آگاهی آنها، کاملاً محلی و ضروری و میسر بوده است. می بایست در آن مرحله به طرق و اشکال متنوع و موثر با تلاش های روحانیت برای مشروعیت بخشیدن به روند استقرار رژیم قرون وسطایی بیگبیره مبارزه می شد. طبعاً عوا و مقربینی های خمینی و تحریکات عملی و فشارهای محدود و گسترده تر برای پیشا هنگ انقلابی بهر ام می آورد. اما با بدبیا د داشت که بواسطه وجود تعداد قوا در جامعه و شرایط دمکراتیک و وسیع سیاسی ناشی از نتیجه مستقیم و بلاواسطه انقلاب بهمین (با برهیز از برخورد های چپ روانه و خوشونت امیز) کار تبلیغی و افشاگری در میان توده های مردم تا شایرت معین و آگاه گران به همراه داشته است.

کفرانسی ملی علاوه بر ارائه دلایل و ارزیابی های مربوط به صحت مشی سیاسی حزب در دوره زمانی پس از انقلاب ولی رشت دلایل و ضرورت های تاکتیکی و عملی را برای اتخاذ تاکتیک مناسب و اصولی مبارزه مطرح می نماید. در این رابطه می گوید: "حزب توده ایران این تاکتیک را با در نظر گرفتن حداکثر تاثیر قاطع توده ها از خمینی بر پایه و راه های مذهبی و اعتقادات استوره ای آنها و نیز وعده های که در زمینة تحقق آماج های مردمی انقلاب می دادند، تنظیم می کرد. مستثله عمده برای حزب ما در آن مقطع زمانی جنبین توده های مردم از طریق بردن برنا مه حزب بین آنها... حزب ما موفق بودی توجه به برخورداری خمینی از بایگه عظیم توده ای، تاکتیک برجسته کرد و مواظلبه اجرای وعده های که حاکمیت جدید به توده های میلیونی خلق داده بود را در پیش گیرد. نتیجه آنجا ذین شیوه اصولی مبارزه از دو حال خارج نبود: با سران رژیم به خواست رحمت کشانن جامعه عمل می پوشانند و یا از اجرای آنها سرباز می زندند که سلاطین را می خدایند توده ها از حاکمیت را فراهم می آورد."

اتخاذ تاکتیک بدون تعیین هدف های عمده مرحله ای و یا بعبارت بهتر بدون تعیین استراتژی روشن سیاسی هرگز نتوانست به نتایجی بنجین انقلابی راه بسوی پیروزی رهنمون گردد، حتی تاکتیکی که درست در باره سیاست استراتژی نادرست بهر حال متضمن مقموندن می باشد در شرایط مشخص آن روز انحطاط پذیری در تاکتیکها که امری کاملاً ضروری و درست بود، نشان می دادند. می توانست متضمن مقمودن باشد در خدمت بسیج، تدارک قوا، شکل و اتحاد نیروهای دمکراتیک کشور و ایجاد یک آلترا تئوی انقلابی و دمکراتیک در مقابل رژیم بود. کفرانسی ملی درباره مشی استراتژیک حزب با آنها هم سخن می گوید کفرانسی اعلام نمی کند که سمت گیری خمینی و پیروان او در کدام جهت گسترش می یافت. جنبین آنها هم بزرگی بمعنی تعلیق خط مشی استراتژیک است و همچنان راه را برای گسست اهداف استراتژیک تاکتیکی بازمی گذارد.

مواضع کفرانسی در باره رویدادهای نیمه اول سال ۶۰ نیز بر پایه تحلیل و ارزیابی غیر واقعی از روحانیت حاکم استوار است. سند کفرانسی ملی درباره عامل تعیین کننده و اصلی در استقرار کامل رژیم تئوکراتیک سیاسی از رویدادهای سال ۶۰ قبل از همه از اهمیت روحانیت حاکم نشأت می گرفت. سکوت می کند و صرفاً به تأیید و تائید رویدادهای اول سال ۶۰ اشاره و بسنده می کند. رویدادهای ۳۰ خرداد، ۷ تیر و ۱۳ شهریور که منجر به گسست شده ای از شخصیت های جمهوری اسلامی شد، زمینه را برای تغییر کیفی در ترکیب حاکمیت و حاکم شدن کامل جوش و خروش و اختناق پلیسی در جامعه بیشتر فراهم ساخت. تغییر کیفی در ترکیب حاکمیت... نمی توانست در چرخش قطعی سیاست رژیم به راست موثر شیفند. رهبری حزب در ارزیابی این روند تا خیر کرد. (تا کید از ما ست)

سند کفرانسی ملی تلویحاً می پذیرد که قبل از این رویدادها هم روند حاکم شدن کامل تئوکراسی پلیسی و هم سیاست راست روانه رژیم وجود داشته و روافع رویدادهای اول سال ۶۰ در تسریع و تشدید فاجعه بسیار فضا رنجش دمکراتیک تا نیروانکاران پذیرداشته است. اما خطاست هر گاه در استقرار رژیم ولایت فقیه و سلطه سرکوب گرانه آن چیزی جز ما هیت جریان پیرو خمینی و سمت گیری آن را دارای نقش تعیین کننده تلقی کنیم. معاً لومف کفرانسی ملی می گوید، رویدادهای سیاسی پس از پیروزی انقلاب، محت ارزیابی های حزب در زمینه خود بیگبیره و جنبین های رویداد انقلاب بهمین را به اثبات رسانده است. بنظر ما این طور نیست. سند کفرانسی ملی مشخصاً از نشانه های ارزیابی صحیح خود بیگبیره و جنبین های رویداد انقلاب و قبیل از همه ارزیابی درست و دقیق از روحانیت حاکم به رهبری خمینی بدور مانده است.

بجهت وجود اینها و نتقادات در سند کفرانسی ملی سه ماه پس از انتشار سند کفرانسی ملی، ارگان مرکزی حزب توده ایران در شماره ۱۲۸ خود می نویسد:

"در این فاز مبارزه، روحانیتون پیرو خمینی با وجود تطبیف گسترده با بایگه اجتماعی شان عمدتاً شعارهای خلقی انقلاب را که حزب ما و برخی دیگر از سازمانهای انقلابی مطرح می کردند به اریت گرفتند و بدینسان خود را مدافع سرسخت منافع توده های محروم جامعه معرفی کردند."

در چنان شرایطی، چنانچه در اسناد مصوب کفرانسی ملی تائید شده است حزب توده ایران، شکل مبارزه بردن شعارهای ضد امپریالیستی، مسند سرمایه داری و خلقی به میان مردم به قصد کافتن هر چه بیشتر مضمون آنها... به رژیم تحمیل کرد... هدف نیز در این مرحله معین بود: جدا کردن توده های میلیونی مردم از آن گروه از رهبرانی که به علل عدیده قادر به بر آورده ساختن خواسته های آنها نخواستند، از طریق نشان دادن زیونسی، بیارادگی، دورویی و فرومایگی و فراموشی سران مترج رژیم، در این سیم جنبین شکل از مبارزه را هر برای جدا کردن توده ها از سران و پاسکرای رژیم وجود داشته (تا کید از ما ست)

عبارت فوق با مشی سیاسی مورد تائید کفرانسی ملی منطبق نیست. زیرا شرط مشی "اتحاد و انتقاد" با خمینی بر پایه تا کید برزیونی، فرومایگی... در آن مرتج و پاسکرای رژیم بی ریزی نشده است. چنانچه مشی سیاسی مبتنی بر عدم پستیانی از حکومت و مبارزه علیه آن و نیز دربار آلترا تئوی انقلابی بمنظور انتقال قدرت سیاسی به این آلترا تئوی بود، در این صورت با توجه به نفوذ عظیم خمینی در میان توده ها، سطح آگاهی و تشکل آنها و غیره کار بست تاکتیک مورد نظرنا مه مردم می توانست طی یک دوره معین درجهت افشاکری ما هیت ارتجاعی رژیم و افشاد آن و بسیج توده های خواهان عدالت گرد نیروهای مدافع دمکراسی و عدالت موثر افتد.

از مبارزات کارگران نفت جنوب

خوزستان و زحمتکشان آن بیش از هر جای دیگری در آتش جنگ و بیبیدار دهمینی سوخته اند و می‌سوزند. خوزستان بمعنای واقعی کلمه میدان جنگ است. بیش از ۷۰ سال است که زیر چرخهای تانک ها و شوب ها می‌سوزد و می‌سوزد. آنچه که در شهرهای خوزستان محکم و نیرومندی و فلانگ است. گرانی و فقر و فلاکت و بیخانمانی بیادامی کند برخی از شهرها ویران شده اند و برخی دیگر نیمه ویران و لبریز از آوارگان جنگی است. بنا به آمار خود رژیم حداقل ۶۲۰۶۲ نفر فقط در خوزستان برآکنده اند. بمبارانهای وحشیانه هواپیماهای عراقی مدام خانه و کاشانه مردم و شهرهای آوارگان را به آتش می‌کشند. خوزستان خود یک مجروح جنگی است و لفظ به لفظ سرزمینهای بیکسری افزوده می‌شود. رژیم خمینی دهها هزار تن از مردم این استان را با خاک و خون آکنده و نزدیک به ۱/۵ میلیون نفر را از خانه و کاشانه و سرزمین خویش آواره کرده است. موسسات صنعتی از میان می‌روند و کشتزارها به آتش کشیده می‌شوند. دسترنج یک خلق در آتش می‌سوزد و این آتش هر روز بیشتر و بیشتر زبانه می‌کشد.

در دور جدید جنگ شهرها " بازمه اهواز، مسجد سلیمان، دزفول، اندیمک، شوش، هفت تبه و سنگرد، میناران شدند. مسجد سلیمان و دزفول برای چندمین بار بمباران شد. تخلیه شدند، واحدهای صنعتی نفت، یونیت ها، تلمبه خانه ها، ایستگاه های تقویت فشار و تریک های، بالابرها، کساز و پتروشیمی، گشت و صنعت هفت تبه، راه آهن اهواز، هفت تبه و پل های راه آهن، سیلوا، مجتمع فولاد اهواز، مجتمع صنعتی نورد، کرین بلک را مین و هرمزگان، تا سیاحت تولید برق سدزو... میناران شدند. و برخی از آنها دچار آسیب های غیر قابل ترمیم گشتند. در حمله هوایی پنجمین ۲۹ تانک ۵۰۰ پانزده اهواز که ۵۲ هواپیما شرکت داشت، مجتمع فولاد اهواز، نیروگاه زرگان، میکروسیا اهواز، کارخانه تقطیه تکران اهواز و پنج نقطه مسکونی میناران شد. هفت روز بعد (هشتم آذر) رژیم عراق با ۳۴ هواپیما مناطق مسکونی شهر و نواحی آبرسانی را مورد حمله قرار داد. در این حمله فقط ۱۴ نفر در آبرسانی شهروان کشته شدند. پس از این دو تهاجم بیابانی که در تاریخ جنگ جنایتکارانه ایران و عراق بی سابقه و ضربه وار بود، در روز ۲۷ دسامبر نیز هر سه واحد مجتمع نورد (صنایع فلزی، ذوب اولوله سازی)، خوابگاه دانشجویی دانشگاه اهواز، تا سیاحت راه آهن و... نیز بمباران شدند. در مسابقه کشتار که میان خمینی جنگ طلب و صدام جنایتکار جاری است، بازندگان اصلی بیرونهای مردم زحمتکش هستند. آنچه که از بین می‌رود جان و هستی و ثروت زحمتکشان است و آنچه که بر جای می‌ماند نفتا هر چه بیشتر بر برده مردم ستمدیده و فلاکت دم افرون آنهاست. کارگران نفت خوزستان، هم بعنوان بخشی از مردم این استان ستمدیده در معرض بیبیداری و فشارهای ویژه ای بردوش آنها سنگینی می‌کنند.

اهمیت تولید نفت در ادامه جنگ و ادامه حیات رژیم جمهوری اسلامی موجب شده است که رژیم به سیاست " تولید بیشتر قیمت" متوسل شود. با توجه به قرار گرفتن اصلی ترین مراکز تولید و پالایش و صدور نفت در کانون اصلی جنگ - یعنی خوزستان - و نیز وضعیت عمومی اقتصادی کشور و سیاست های ضد کارگری رژیم فشار فوق العاده ای بر کارگران نفت تحمیل می‌شود. میناران دائمی واحدهای نفتی همواران کارگران را تهدید می‌کند. فقط درش ماه اول سال ۶۵ در بمبارانهای مداوم واحدهای نفت، گاز و پتروشیمی در اهواز، آغا جاری، خارک و ما شهر حدود ۱۲۵ کارگر کشته و بیش از ۴۰۰ نفر بیخسختی آسیب دیده اند. تخریب واحدهای نفتی و پالایشی شدن راندمان آنها از یک سو و کمیابی و نابرابری قطعات یدکی و امکانات تکنولوژیک مورد نیاز در همسایه زمینه های اکتشاف و تولید استخراج و صدور نفت از سوی دیگر، سختی کار را چند برابری می‌آورد.

سیاست نوین اقتصادی رژیم و ماهیت ضد مردمی آن موجب آن شده است که رژیم به بسیاری صفت جویی هر چه بیشتر متوسل شود. کارگران نفت را نیز همچون کارگران دیگر رسته ها دسته دسته از کار اخراج نماید. رژیم با اخراج بخشی از کارگران، برای جبران کمبود نیروی کار، حجم کار را تا آن ریمان نغیه کارگران سرکش کرده و بدین ترتیب از یک سو عده ای را از کار بیگانه می‌سازد و از سوی دیگر بر شدت استثمار دیدگان می‌افزاید. مزیای خاصی کار در مناطق نفتخیز، بعنوان محمول سالها مبارزات کارگران، از سوی رژیم حذف شده است. حق سختی کار، حق راه (ایاب و ذهاب) حق خواربار (با فلاح رشن ماهانه شامل آرد، برنج انواع حبوبات، شکر و...)، تا مین رایگان منزل

ویژه کارگری، پرداخت حق مسکن، پرداخت اضافه کاری و حق نوبت کاری، لباس کار، کفش کار، دستکش کار، مزایای ویژه خانواده های کارگری و فرزندان کارگران و... از جمله مزیای بود که رژیم جمهوری اسلامی در ظرف سال ها کمیت خود بتدریج از کارگران باز پس گرفت و آخرین آنها لغو معافیت پرداخت پول آب و برق مصرفی کارگران بود که به جهت گرما بسیار زیاد خوزستان در عمده آزال و ضرورت استفاده از آب و برق برای تهیه، هزینه هنگفتی بر کارگران تحمیل می‌نماید.

رژیم همه واحدها را موظف کرده است تا تعداد معینی از کارگران خود را بعنوان "دا وطلب" بسسه جبهه ها گسیل دارد. معمولاً به دلیل دا وطلب شدن کارگران، مزدوران رژیم با سر فتنه های چسبون تا کید بر "مقدم جبهه جنگ به جبهه تولید"، تهدید به اخراج، قهر عکشی، اعزام نوبتی و منظور کردن "انتیارات خاص" برای کارگران جبهه رفت-بختی از کارگران راه مدهانهای جنگ و کشتار می‌رانند.

هر چند مستم چندگانه ای که از سوی رژیم بسر کارگران خوزستان تحمیل می‌شود خود زمینه مناسبی برای توفان جنبش کارگری در این منطقه است ولی باره ای عوامل عینی و ذهنی بر روند حرکت کارگران نفت خوزستان تا ثیرات منفی قابل توجیهی بسر جای می‌گذارند.

تاریخاتی و ستر عمو می کارگران از رژیم و فراگیر و همگانی بودن حرکات اجتماعی و خود انگیختگی و سازمان یافتگی این حرکات دو شاخه اصلی و عمومی مبارزات کارگران نفت خوزستان را تشکیل می‌دهند.

ابعاد تاریخی در میان کارگران در چنان حدی است که جز استعدادی معدود مزدوران رژیم - که در انحنای ایستایی و سرانجامها متشکلند - کسی از رژیم دفاع نمی‌کند. علیرغم جواریاب درهمه جا عوامل رژیم تنها اقلیتی کوچکند. در هر جا که جنگ شرایط سخت و غیر قابل تحلیلی را بوجود می‌آورد، جنبش های اعتراضی کارگران علیرغم جواریاب و خفقان و سطح نازل فعالیت پیشاهنگ در میان آنان در کمترین زمان گل کارگران را به مبارزه کشانیده است.

در کنار این روحیه اعتراضی نیرومند و فراگیر (بدیده منتبت) خود انگیختگی و سازمان یافتگی بی سابقه بدیده ای منفی عمل نسوده و دامنه جنبش را محدود و ژرفای آن را اندک می‌سازد.

رژیم جمهوری اسلامی با توجه به ماهیت ضد کارگری و ضد خلقی خویش، دامن هر گونه تشکلی مستقل کارگری است و به دلیل اهمیت استراتژیک کارگری هر اسان است و حتی اجا شوراهای اسلامی کار در صنایع نفت را مشروط به اجازه مسئولیات ویران کرده است. رژیم با توجه به نیبناز کارگران به شکل های کارگری، مدتها کوشیده انحن های اسلامی را بعنوان نماینده کارگران معرفی کند ولی در نتیجه رسوایی و انفرادی بین انجنیها در میان کارگران، تا کز بر عفت نشستی و اعتراف نمود که انحن ها حق نمایندگی کارگران با کارفرما را راندا رند و بهیتر است "نقش ارشادی و هدایتگر" داشته باشند.

کم کاری، اعتصاب و ترک کار از اشکال رایج حرکات اعتراضی کارگران نفت است گرچه مضمون اصلی این مبارزات، صحنی و مطالباتی است ولی حرکات اعتراضی در صنایع نفت با توجه به مجموعه سیاست های ضد خلقی و ضد کارگری رژیم و مسئله جنگی با فلاح خصلت سیاسی و ضد رژیم بخود میگیرد. انگیزه ها و عوامل اصلی مبارزات کارگری در مناطق نفتخیز در درجه اول عدم امنیت جانی در اثر بمبارانهای هوایی، اعزام اجباری به جبهه ها عدم امنیت شغلی و اخراج از کار و سپس خواسته های اقتصادی و رفاهی می‌باشد. بیگیری و آدامه کاری اعتصابا در تقیقا به انگیزه و خواست کارگران استگی دارد. در صورتی که مخالفت با جنگ و خواست امنیت جانی، موضوع اعتصاب باشد، کارگران حتی به قیمت اخراج از کار نیز حاضر به تسلیم نیستند. آدامه مبارزات کارگران در این موارد معمولاً منجر به دستگیریهای وسیع و بیگدرهای گسترده می‌شود. در این مرحله است که تا مین بخشی از خواسته های کارگران می‌تواند به اعتصاب پایا ن دهد. در صورتی که خواست عمده کارگران خواسته های اقتصادی و رفاهی باشد حرکت هم از نظر کمیت شرکت کنندگان و راهی از نظر کیفیت ضعیف تر است و زودتر عقب نشینی می‌کند.

تا کتیک اصلی رژیم در بر خورد با حرکات کارگری در درجه اول فریبکاری و وعده های دروغین و سپس تهدید و بیگدر و دستگیری است. در تمامی مواردی که کارگران در واحدهای تولید و بهره برداری نفت و گاز به مبارزه با سیاست های ارتجاعی و جنگ طلبانه

رژیم برخاسته اند، رژیم ابتدا با عنوان کسردن شرایط ویژه و سخت و وضع جنگی تلاش کرده است کارگران را فریب داده و وادار به صرف نظر کردن از خواسته های خود کند. اگر فریبکاری بیباید آن در میان کارگران موثر نباشد، مزدوران رژیم دست به تعقیب فعالین جنبش دستگیریهای گسترده می‌زنند. با توجه به حساسیت فراوان واحدهای نفت، رژیم می‌کوشد در وهله نخست از تا کتیک فریب بهره گرفته و با برآوردن آن بخش از خواسته های کارگران که منضم هزینه زیادی نیست، بکارگران را به سرکار بازگرداند ولی معمولاً به دلیل وجود کارگران آگاه و مبارز در میان توده کارگران، بنا بر این شددید شده که کارگران رژیم و نیرومندی بودن انگیزه های اعتصاب، بکارگران سادگی تن به عقب نشینی نمی‌دهند. در این مرحله از مقادیر کم کارگران، رژیم به اخراجهای وسیع و تطبیق ها و تبعیضهای گسترده اقدام می‌کند. اما علیرغم همه فشارها، مبارزه و نشتگران فروکش نکرده و همچنان ادامه می‌دارد. در زیر به نمونه هایی از مبارزات کارگران خوزستان اشاره می‌شود:

اعتصاب بالابنگاه گاز بیدیلند

در جریان بمبارانهای مراکز صنعتی در پارسا سال ۶۴، که بالابنگاه گاز بیدیلند شدت بمباران شدت داده ای از کارگران کشته و زخمی شدند. رژیم طبق معمول کوشید تا با استفاده از کشته و زخمی شدن بخشی از کارگران، بخش دیگر را به تهیه به جبهه ها اعزام کند. کارگران منم مخالفت با رفتن به جبهه و قهر عکشی و دسته بندی و نوبتی کردن جهت اعزام، دست به اعتراض و کم کاری زدند. آنها مصرا نسه خواهان شرایط امن برای ادامه کار بودند. شرایط برای گسترش موج اعتراضات و تبدیل آن به یک اعتصاب همگانی کاملاً فراهم بود. مسئولین نفت جنوب، جهت عقب راندن کارگران، به بهانه نسه بازسازی کارخانه و ترمیم خسارات، کارخانه را بمدت یک هفته تعطیل کردند ولی کارگران پس از بازگشت بکار همچنان در خطر میناران بودند. خواسته های کارگران بنظر بیشتر می‌گشت با توجه به اینکه توبیوس های گولردا ربه جبهه ها فرستاده شده و تعدادی توبیوس کهنه و فاقد کولر به کارگران اختصاص یافته بود، آنها خواهان بهیودا توبیوسها و وسایل آمدورفت به آغا جاری (مباران کوه و میدیه) و نیز بر پرداخت حق سختی کار و روح ایاب و ذهاب بودند. در چنین زمینه ای روز بیست خرداد که هوای خوزستان بسیار گرم بود، کارگری از فرط گرما در اتوبوس دچار گرما زدگی گشته و بیوشش شد و همین امر انگیزه ای برای شروع اعتصاب کارگران گردید. اعتصاب با زمینه های قبلی یعنی مخالفت با جنگ و بمباران و خواسته های اقتصادی آغا زشدین از شروع اعتصاب، فعالین کارگری موفق شدند رهبری اعتصاب را بدست گیرند. به محض شروع اعتصاب تشکیلات سازمان ما در خوزستان با انتشار اعلامیه ای بسا درج خواسته های کارگران و علل اعتصاب از کارگران نفت خواست تا از این مبارزه پشتیبانی نمایند. علاوه بر اعلامیه سازمان ما که در واحدهای نفت و گاز توزیع شد، کارگران مجتمع فولاد اهواز نیز با دادن اعلامیه از این اعتبار اعلام پشتیبانی کردند. رژیم نخست کوشید تا بر آورده ساختن بخشی از خواسته های رفاهی کارگران را به تسلیم وادارد. ولی اعتصاب ادامه یافت. کارگران اعتصابی که غرضی (وزیر نفت) و نوالی (مسئول مناطق نفتخیز جنوب) را عوامل اصلی ناراضی می‌دانستند خواستار برکناری آنان شدند. شما می‌دانید کارگران، حتی اعضا انجمن اسلامی نیز به اعتصاب بگرا ن بهیوشند در نتیجه بایداری کارگران و شداوم اعتصاب، رژیم دست به تهاجم زد. در جریان این تهاجم رژیم دستگیر شده و برای معرفی فعالین اعتصاب تحسب با زوجی و شکنجه قرار گرفتند. رژیم تعدادی از آنان در اعتراض آزادی از کار اخراج نمود. اعتصاب مجموعاً ۲۰ روز بطول انجا میدوگرچه رژیم تنها به بر آورده ساختن بخشی از خواسته های کارگران تن داد ولی بیکارچگی و شمارهای قاطع ضد جنگ تا شبر فوق العاده مثبتی بر روحیه کارگران نفت و گاز - بخصوص در منطقه آغا جاری - برجای گذاشت و تهاجم مبارزاتی کارگران نفت تجزیه نوبتی افزود.

اعتصاب کارکنان خارک

در تابستان ۶۴ جزیره خارک بطور مداوم بمباران می‌شد و تلفات و ضایعات بسیار زیاد بود. در مهر ماه حدود ۴۰۰ نفر یعنی تقریباً تمام کارکنان نفیست جزیره در اعتراض به تشدید جنگ و نداشتن تا مین جانی دست به اعتصاب زدند. بخشی از کارکنان اعتصاب کننده جزیره را ترک کرده و به شهرهای

انجمن اسلامی منحل باید گردد



نشریه "کار" از این شماره می‌گوشد صفحه‌ای را به درج و معرفی نمونه‌های شی از ادبیات، نقلابی و فرهنگ مردمی اختصاص دهد. در این شماره به‌مناسبت اول ماه مه، روز کارگر، سرود حماسی "استثمار بی" از سروده‌های معدنیجان اسبانیار می‌خوانید. از خوانندگان گرامی "کار" بویژه صاحب نظران تقاضا داریم که این صفحه را با همکاری‌های مسئولانه خویش غنی‌تر سازند.

استثمار پس

دیگر نمی‌گذاردیم
برپا کنندگان ستم
شیروی با زوانمان را تا راج کنند.
این قانون
شلاق ستمگران است
ما قانون دیگری خواهیم آورد
قانون اتحاد، کار، مساوات، آزادی.
در سرگناه اول ماه مه
شیبور "گمون" دمیده می‌شود
تا پرولتاریای سراسر جهان
این کار دسرخ تا ریخ‌پیا خیزد.
کارگران!
بیا دکمونارهای قهرمان
که پرچم سرخ را برافراشتند،
صف رزمندگان را فشرده‌تر کن!
دیروز را بیا در درزنجیر،
امروز را ببین در رزم
و فردا را بی‌شک در فتح.
ما پیش‌تازندنیای تازه ایم
پارتیزان‌های هدفهای اصیل
و در کوله‌ها مان:
فردای نو
انسان نو
زندگی نو را بر پشت می‌کشیم.
آنجا بر پیشانی افق
آن ستاره سرخ را می‌بینی؟
هر شش‌انگش مال ما است
مال من، تو، همه،
اما تا بخت کنیم
پیروزی محال است.
برویم تا بنیانهای کهنه را
ویران سازیم.
سپیده بازدمیده است
اول ماه مه است.

در سرگناه اول ماه مه
با اولین طلایه خورشید
آسمان رنگی دیگری گیرد:
رنگ آتش شعله‌ور
رنگ خون کمونارهای جوان
و پیش‌روی ما
جنگی به وسعت آسمان در می‌گیرد.
قیام ما شبردافزار ما ست
و سوسیالیسم پرچم سرخ ما
دوستانه ایمان به هدفی مقدس:
آزادی تمام ستمدیدگان روی زمین
سنگسار کنیم.
برویم تا دشمنان آزادی را
سپیده بازدمیده است
اول ماه مه است.
* * *
چهره تاریخ
برعکس چهره انسانهاست
هر روزی که می‌گذرد
جوان‌تر می‌گردد.
و از فردا
خورشید دیگر
فرداهای دیگر را روشن خواهد ساخت
روزی بزرگ در پیش است
و اینک پیگار،
نزدیک، نزدیکتر، از همین لحظه!
هان، گارد سرخ تاریخ، برپا!
برویم تا تاوان رنجها مان را
مصارف کنیم
سپیده بازدمیده است
اول ماه مه است
از سرودهای کارگران
معادن آستوری - اسپانیا

از صف جدا نشو
از راه با زمان
همپای صف قدم بردار،
هر گوشه، هر کناره سنگر ما ست
ما مثل کوهساران پابرجا ایم،
واقیانوس و اربعم پیوسته.
و کینه سرما به داران
چون آبی در کاسه سنگی
همواره در دل ما باقیست،
ما از تبار رنجیم،
از دودمان زحمت،
ما پیکهای بهاریم
و سوسیالیسم
بهارتارین است.
با زویت را بمن بده
و قلب پر کینه‌ات را
که هم امروز
پیکاری بیرحمانه
به پهنای جهان در می‌گیرد.
حافظه تاریخ اشتباه نمی‌کند
پیکا را ما سرانجام پیروز است
این بنیاد تاریخ را با و رکن.
برویم تا گاو و صندوق را
تیرباران کنیم.
سپیده بازدمیده است
اول ماه مه است.
* * *

* * *

* * *



و شدید و احدهای بهره‌برداری نفت در حومه اهواز،
روز ۱۸ مه ما کارگران این واحدها با خواست قطع
جنگ شهرها و تامین امنیت جانی دست‌انکارا رکشیدند.
اعتصاب از بی‌نیت آغاز شد. این واحد هم بدلیل
موقعیت جغرافیایی خود (یک کیلومتری اهواز) هم
به جهت تامین نفت خام با لایشگاه تهران - که از
فعلاترین و بزرگترین پالایشگاههای موجود در کشور
است - به نسبت دیگر بی‌نیت‌ها دارای اهمیت
بیشتر است و به همین دلیل بیش از سایر واحدها هدف
بمباران هواپیماهای عراقی قرار می‌گرفت. در این
اعتصاب مجموعاً حدود ۲۰۰۰ کارگر از واحدها جدا شدند،
تعمیرات و بوسه‌تقویت‌کننده فشار شرکت داشت.
رژیم ابتدا سعی کرد با مذاکره با کارگران و وعده
تا تامین سنگروگان نشین در اطراف واحدها آنها را به سر
کار بازگرداند. علاوه بر این مسئولان رژیم
پیشنها کردند که ساعات کار به شب منتقل شود تا
امکان بمباران منتفی گردد. ولی با مقاومت
کارگران اعتصاب ادامه یافت. رژیم دست‌بسته
قدرت‌نمایی و ارباع زد و تهدید نمود که همه کارگران
را بطور دسته جمعی اخراج خواهد کرد. تشکیلات
سازمان مادر خوزستان علاوه بر تراکتی که قبلاً
از شروع اعتصاب توزیع کرده و کارگران را به
مبارزه برای ملج و افشای جنگ افروزیهای رژیم
فراخوانده بود، در جریان اعتصاب نیز اعلامیه‌ای
در حمایت از خواستهای کارگران انتشار داد.
کارگران واحدهای بهره‌برداری اهواز که با
عزمی راسخ و قوی راه‌حلی برای تامین جانی
دست‌بسته اعتصاب کردند پس از روز بزرگراهی خود
با زگشتند و رژیم تنها تعدادی کارکنان غیرعسکران
پناگاه را در اطراف واحدها مستقر کرد.

در جریان اعتصاب سازمان ما با بخش اعلامیه‌های
منطقه منتخبین ضمن برشمردن انگیزه‌های اعتصاب
و افشای است‌های فذخلقی و جنگ افروزان رژیم
از کارگران دیگر واحدها خواست که اجازه ندهند
رژیم از آنها بعنوان اعتصاب‌کننده برای تضعیف
مبارزه کارگران خارک استفاده کند. بدین ترتیب
تا کارگران بی‌نیت‌ها حاضر نشده‌اند جزیره خارک رفته
و بجای کارگران اعتصابی کارکنند. اعتصاب خارک
یک هفته بطول انجامید.
به دلیل اهمیت حیاتی کارگران خارک و بویژه
حساسیت کارگران پیک‌کش‌ها اعتصاب خارک
برای رژیم فوق‌العاده پراهمیت بود. زیرا در
صورت تعطیل کار پیک‌کش‌ها سایر بخش‌ها نیز با لاجبار
از کار می‌افتند و صدور نفت قطع می‌شود و قطع صدور نفت
علاوه بر زیانهای ناشی از عدم بازرگانی و صدور
ضارات ناشی از دیرکرد، رانیز بر رژیم تحمیل
می‌کند. بدلیل همین موقعیت استراتژیک بود که
رژیم به تصفیه بسیاری از کارگران فعال و
مجازات آنان به اشکال گوناگون پرداخت.
هر چند رژیم جمهوری اسلامی تنها به نصب تعدادی
سنگر پیش‌ساخته بتونی در اطراف تاسیسات نفتی
جزیره اکتفا کرد ولی این اعتصاب نیز همچون
پالایشگاه گاز بیدبلند، تا شیروانی و مبارزاتی
قابل توجهی بر روی کارگران خارک و مجموعه
کارگران نفت برجای نهاد.

اعتصاب کارکنان واحدهای بهره‌برداری اهواز
(بی‌نیت‌ها)
در تابستان سال ۵۶ به دنبال بمبارانهای مداوم

خودبا زگشتند و بقیه کار را با لکل تعطیل کردند. مرکز
اعتصاب در پیک‌کش‌ها (تک مترها) بود و اعتصاب نیز
از همانجا آغاز شد. کارگران به صمیمی (رئیس ناحیه
خارک) غلام کورنده که تا مین امنیت بر سر کار
با زبخوا هندگشت و جزیره خارک خواهندگفت رژیم
توجه به اهمیت فوق‌العاده اقتصادی و نظامی
جزیره خارک و همچنین به جهت اهمیت تبلیغی -
روانی اعتصاب، غرضی وزیر نفت و تولایی را به آنجا
اعزام کرد. تولایی پس از مشاهده استوار
اعتصاب کنندگان به تهدید پرداخت. کارگران با او
درگیر شده و قلمداد شدند و راه دریا بیندازند که
عوامل سرکوب رژیم دخالت نموده و کارگران
را تهدیدیه اخراج و بازداشت کردند.
اعتصاب خارک علیرغم تهدیدهای رژیم همچنان
ادامه یافت. دادستانی فدائینقلاب با صدور اطلاعیه‌ای
خارک را "منطقه جنگی" نامید و خروج کارگران از آن
را ممنوع اعلام کرد. در اطلاعیه دادستانی گفته
می‌شده در صورت بازگشت کارگران بر سر کار،
آنان اخراج و زندانی خواهند شد. رژیم علاوه بر
توسل به قوه سرکوب تعداد معدودی از عوامل خود را
بعنوان اعتصاب‌کننده به جزیره کسپل کرد و دست
به دستگیری و ارباع کارگران زد. پرونده ۲۰۰ تن
به دادستانی فرستاده شد و پس از یک هفته ۴۰ تن
اخراج شدند. عده‌ای از کارگرانی که بجم
دادستانی اخراج شدند پیش‌بازگشت به جزیره
را خود تحریم کرده بودند. رژیم در جستجوی یافتن
ارتباطی میان ۴۰ نفر اخراج شده، بیش از دو ماه
پرونده آنان را در دادستانی مورد بررسی قرار داد.

کارگران! برای متوقف کردن سیل اخراج، علیه جنگ پیا خیزید

گسترده باد مبارزه انقلابی معلمان

معلمان هم به دلیل خصلت آگاهان گهرا... حرفشان و هم به دلیل تعلق اکثریت آنان به اقشار زحمتکش و کم درآمد جامعه، در مقام جنبش های انقلابی معاصر تاریخ میهن مان نقش فعالی برعهده داشته اند. از زمان بنیانگذاری "اتحادیه معلمان" در نخستین سالهای دیکتاتوری رضاخان تا جنبش ملی شدن نفت، و از مبارزات سالهای ۴۱-۳۹ تا انقلاب بهمن، آموزگاران زحمتکش در شهر و روستا در صفوف مبارزات مردمی حضور موثر داشته اند. اتحادیه های معلمان در اشکال گوناگون خود، از جمله شیوه های نمونه وار مبارزه متشکل شده های در بسیاری از این سالها بوده است.

پی از انقلاب بهمن، رژیم آخوندها با فتوای ولی فقیه "مبنی بر اینکه" تزکیه مقدم بر علم است"، شمشیر اسلام را بالای مدارس به چرخش درآورد و "جهاد مقدس" برای "فکرزدایی" در محیطهای آموزشی را آغاز کرد. از جمله نتایج این پورش اوجاعی، اخراج حدود ۳۰ هزار تن از آموزگاران متعدد و دلسوز، ایجاد نهادهای جاسوسی مثل آموزشیهتی و انجمن اسلامی برای سرکوب هر حرکت ترقیخواهانه در مدارس، برقراری انواع ضوابط پلیسی - ارتجاعی درگزینش دانشجو برای دانشراها و دانشکده های تربیت معلم و اشاعه انواع خرافه های ضد علمی و ضد بشری در مواد درسی و تبلیغات در مدارس بود.

حققان حاکم بر محیط آموزش و پرورش و عندم امنیت شغلی، فشار سنگینی را بر معلمان دلسوز و متعهد - که اکثریت معلمان را تشکیل میدهند - وارد می آورد. آنها همواره از سوی رژیم تهدید می شوند که: "اگر کسی تفکر ضد اسلام، ضد انقلاب و ضد امام (یعنی تفکر علمی و ضد رژیم فقیه) را در مدارس ترویج کند، او طرد کردنی است." خامنه ای - اطلاعات ۶۴/۱/۲۸

علاوه در مقابل تورم روزافزون و بحران اقتصادی ناشی از سیاستهای ضد مردمی رژیم، معلمان با حقوق اندکی که دریافت میکنند، زیر جدی ترین فشارهای مادی هم قرار دارند. در پاسخ به اعتراض معلمان به سطح نازل حقوق شان، رئیس مجلس آخوندها با شایعی می گوید: "یک معلم مسلمان که اعتقاد به آخرت دارد، روی اندوخته های مادی زیاد حساب نمی کند.

اما علیرغم همه تلاشهای رژیم برای آنکه روح روشنگری، بوییدگی و حق طلبی را در آموزگاران خاموش سازد، اعتراضات و مبارزات آنها بویژه در ۳-۲ سال اخیر رشد و گسترش یافته است. رهیمایی اعتراضی معلمان حق التدریسی تهران در سال پیش، اعتراضات سال گذشته معلمان در کرمان و بندر لنگه، اعتراضات علنی و آشکار در مدارس، نشانه های رشد مبارزه دوره اخیرند. اکنون معلمان آگاه و ترقیخواه و بویژه معلمان پیشگام باید در سازمانگیری و هدایت این مبارزات نقش فعالتری برعهده گیرند و از معلمان بخواهند تا: در کلاسهای درس و محیط مدرسه و محل زندگی

شان به افشاکاری و کار آگاهانه علیه رژیم خمینی و جنگ خانما سوزی که هستی و آینده مردم و جوانان کشور را تهدید میکند، بپردازند. دروغ های رژیم را در میان نوجوانان دانش آموزان و خانواده ها بیابان افشاکند. نگذارند که با قویب آخوندها، بجه های بیگانه برای "کلیدبشست" و به امید "امدادهای غیبی" روانه قتلگاههای جنگ شوند. در مقابل باج خواهی حکومت از محصلین برای جبهه و کسر حقوق ناچیز معلمان برای جنگ ایستادگی کنند.

با ورود جهل و خرافات و اندیشه های پوسیده در مواد درسی و خواست ملامها برای تغییر نظام آموزشی در راستای تبدیل مدارس به حوزه های قرون وسطایی علیه مبارزه کنند، با سلاح علم به جنگ و با سگری رژیم بروند، در کلاسهای درسی به اشاعه دانش و تجهیز دانش آموزان به بینش علمی، توضیح دستاوردهای پیشرفت بشر در جهان معاصر، ترویج فرهنگ ملی، ادبیات و تاریخ راستین مبارزات مردم میهن مان بپردازند.

در مقابل شیوه های ضد پرورشی و بر خوردهای غیر انسانی مسئولین "مکتبی" مدارس بیا نظام آموزان در اعتراض کنند. به دانش آموزان در گسترش مبارزاتشان باری رسانند.

برای آنکه مبارزه معلمان در راه خواست های سیاسی و مدنی شان موقفانه پیش برود، باید در راستای پی ریزی شکل های مستقل خود حتی در ابتدایی ترین اشکال آن اقدام کنند. تعاونی های محرف و مسکن، محافل و دوره های همکاران و حتی گروه های آموزشی در ادارات مناطق می تواند از انواع این شکل ها باشد. انتخاب نماینده برای پیبردن این با آن خواسته و ایجاد ارتباط با معلمان سایر مدارس در هر منطقه و با مناسبات دیگر برای هماهنگی و تبادل تجربه و بلاخره از زمان دادن حرکات اعتراضی مثل اعتراضات دسته جمعی به ادارات، جمع آوری طومار، تحصن و اعتصاب روندهایی است که با هدایت معلمان با تجربه و انقلابی به شکل های موقتی و پابدار تبدیل میشود.

با رشد ناراضیاتی و گسترش اعتراضات، هر روزه تعداد بیشتری از آموزگاران به صف مبارزین فعال علیه جمهوری اسلامی می پیوندند. معلمان به مثابه گردان رزمنده ای از صفوف خلق در پرورش نهجی می مردم متحدان و محنت کشیده میهن مان به بارگاه خلافت آخوندها، همچون گذشته نقش فعال و موثری برعهده خواهند داشت.

از تجارب حزب کمونیست آفریقای جنوبی: کمیته های مردمی و انقلاب ما

مبارزه ما به نقطه های بسیار قاطع از رشد و تکامل خود رسیده است. یکی از مهمترین رویدادها پیدایش ارگانهای اولیه قدرت مردم، یعنی کمیته های مردمی هم در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی است. این کمیته ها الزاماً موجب دگرگونی دمکراتیک در کشور می شوند.

در برخی مناطق این کمیته ها دیگر به اجزای عملگردهای یک دولت مدرن یعنی دادگاههای مردمی، تعلیم و تربیت مردمی و همچنین گسترش ملیشایی مردمی و کمیته های دفاع محلی پرداخته اند.

به عبارت دیگر، امروز در کشور ما قدرتی آلترنا تیبو یعنی یک دولت مردمی در حال ساختن شدن، وجود دارد. برای اولین بار یک نیروی مردمی متشکل که از ملزومات تخریب سیستم آپارتاید است، در آفریقای جنوبی واقعیت یافته است. این امر یعنی آن نیست که میتوان همین فردا به هدف خود برای آزادی دست باقیم. تنها وظیفه ما در صورتی میتوان پیروز شد که این نیروی مردمی متشکل به صورت سطح نیرومندی برای بدست گرفتن قدرت درآید. و این وظیفه تمام انقلابیون است که جسم و روح خود را برای انجام این وظیفه بکار گیرند.

ماهیت سیاسی کمیته های مردمی

این حقیقت دارد که در برخی مناطق این کمیته ها اساساً وظایف اداری را انجام میدهند، اما مهم آنست که آنها را به مثابه ارگانهای سیاسی بنظر آوریم و کاری کنیم اینگونه باشند، یکی از شیوه های حائز اهمیت برای تأمین این امر انتخابات دمکراتیک نمایندگان مردم است.

این نیز حائز اهمیت است که در همه مراحل، امر سیاسی جنبش آزادیبخش و برنامها مبارزه خود را در ردیف مقدم فعالیت این کمیته ها قرار دهیم. این برنامها تنها از طریق مبارزات سیاسی از طریق یک جنگ انقلابی مردمی علیه سیستم آپارتاید متناهی خواهد شد. به عبارت دیگر برای این کمیته ها تنها کافی نیست به وظایف سیاسی بپردازند، آن ها باید با جدی خود ارگانهای انقلابی ای که بتوانند نقش اساسی در بدست گرفتن قدرت بسازند، تحول یابند.

کمیته های مردمی ارگانهای انقلابی هستند

این تحول میتواند در دو جنبه دیگر از طریق تأمین شرکت فعالانه طبقه کارگر و سایر بوسه متشکل ما در این کمیته ها و رهبری بر آن ها انجام گیرد. این امر دارای اهمیت قطعی است زیرا که این طبقه کلیدی برای انقلاب ما را در دست دارد. سرانجام این مسئله در میان سایر مسائل برای کمیته های دارای اهمیت بسیار زیادی است که مراقب خطر این عنا صربا باشند:

عنا صرقت طلب که دوست دارند این کمیته ها را با غرق کردن در منجذاب و ظانفاداری، سیاست زدایی کنند.

عنا صری که متمایل به سیاسی بودن هستند، اما حاضر نیستند خود را در گردا ربا ایده آل بسنجند. افریقای جنوبی آزاد، غیرنژادی و دمکراتیک منطق سازند.

عنا صری که دوست دارند کمیته های مردمی را به معامله با عوامل رژیم آپارتاید بچسباند. برای رفع کشمکش در آفریقای جنوبی، چیزی کمتر از انقلابی سیستم آپارتاید و حق رای همگانی را نمی توان بدبیرفت.

بالاتر از همه، مهمترین وظیفه این کمیته ها گسترش و افزایش خودشان در سرتا سر کشور است. قدرت یک کمیته مردمی، قدرت همه است موقفیت سریع انقلاب ما بستگی به تشکیل بسط و تکامل و تحکیم این ارگانهای قدرت مردم دارد.

از نشریه "اوم سه بنزی" شماره ۴ سال ۱۹۸۶

کنفرانس ملی به پایان رسیده است. البته طرح چنین مسائلی واقع بینانه نیست... ضرورت بررسی و بازنگری خطاها و انحرافات خط مشی گذشته تصحیح و تکمیل کارهایی که تاکنون صورت گرفته و از همه مهمتر آموختن از آنها همچنان باید بطور جدی ادامه یابد. کنفرانس ملی در سند مصوب خود قید می کند که ادامه سیاست حزب بر پایه اتحاد، انتقاد در برخورد با حکومت و بویژه پس از تغییر کیفی در ترکیب حاکمیت "یعنی پس از استقرار کامل ولایت فقیه در سال ۶۱ هـ تا ۶۱" بی تک خطای اساسی رهبری حزب به شمار می رود. همچنین متذکر می شود "در این دوره (منظور دوره زمانی ۶۰ و ۶۱ است) رهبری حزب موظف بود در اصل "اتحاد و تقویت" تجدید نظر جدی بعمل آورد ضمن اتخاذ خط مشی سیاسی - سازمانی مناسب به تدریج در موقیع ایوزیسیون کامل قرار گیرد". این نتیجه گیری ها را نمی توان کامل و پایان یافته تلقی کرد، زیرا در باره اینکه چرا رهبری حزب مرتکب خطا گردید و چگونه میتوان از تکرار آن جلوگیری کرد ساکت مانده است.

پلنوم وسیع سازمان خط مشی سیاسی و برنامها در سالهای ۶۰ و ۶۱ "انحراف براسات از موقیع مستقل طبقه کارگر" ارزیابی کرده است اما کنفرانس ملی این قضاوت را پذیرفته است. لذا تبیین صحیح ماهیت روحانیت پیرو خمینی اهداف و سمت گیری آن و نقد خط مشی حزب پس از انقلاب همچنان به مثابه یک ضرورت مبرم مطرح است. ما امیدواریم که سند کنفرانس حزب با دید وسیع و همه جانبه مورد بازنگری قرار گیرد و اختلاف نظر میان حزب و سازمان پیرامون ارزیابی از راهی که قسماً بطور متذکر طی کرده ایم حل گردد. ما معتقدیم که بررسی، نقادی و درس گیری از تجارب انقلاب بهمن راهگسای غلبه بر ضعف ها و مبارزه پیروزمانده حال و آینده مان است.



برای دستیابی مشترک...

نام مردم همچنین در شماره ۱۳۴ در مقاله "برنامه نوین حزب موده ایران را بیا موزیم، جبهه متحد خلق، برخی مباحث تئوری و پراتیک (بخش اول)" می نویسد: آنچه جستجوی حقیقت را دشوار و دوستیایی به آن را دشوار ترمی کند اشتباهاتی است که در جریان پراتیک انقلابی کمونیستهای ایران رخ داده است. ارزیابی نادرست و بزرگنمایی مصنوعی ابعاد این اشتباهات که اغلب اجتنابنا پذیر بوده است...

البته این صحیح است که آزرگنمایی مصنوعی ابعاد این اشتباهات با بدبیر هیز کردوان نیزالایته درست است که اوضاع در آن دوره بسیار پیچیده بوده و زمینه برای بروز اشتباهات اجتنابنا پذیر مهیا بوده است اما بهیچ وجه نمیتوان اغلب این اشتباهات را اجتنابنا پذیر خواند. نمیتوان عدم تشخیص درست اهداف، ماهیت طبقاتی و سمت گیری خمینی و پیروان او را اجتنابنا پذیر دانست. کار بست خط مشی و برنامها اتحاد و انتقاد از روحانیت حاکم را نمیتوان اجتنابنا پذیر نامید طرح کلی و نا مشخص درسیاره اشتباهاتی که اغلب اجتنابنا پذیر بوده است "واقعاً جستجوی حقیقت را دشوار تر می کند.

نام مردم مشخصاً مطرح می کند که "بررسی نظریه مارکسیستی و نظریات اولی حزب توده ایران در این مهمترین عرصه استراتژی و تاکتیک جنبش کمونیستی اهمیت تاریخی عظیمی پیدا میکند. بویژه که حزب ما نیز پیروانش بود و نا دوش دیگر نیروهای انقلابی با ارزیابی انتقادی تجربه هفت ساله گذشته در انطباق نظریه مارکسیست لنینیستی انقلاب رها می بخش ملی بسا شرایط ویژه ایران به طراز بندی تازه ای دست یافته است که در پیرامون مسه نویب مصوب کنفرانس ملی حزب توده ایران انعکاس یافته است. (همانجا) از عبارات فوق بطور صریح این نتیجه بدست می آید که کار برررسی و نقادی سیاسی و نظری خط مشی و برنامها حزب در سالهای یا گذشته با انتشار سند مصوب

هجدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین

بمباران های وحشیانه شهر های دوکشور، با امن کردن کشتیرانی در خلیج فارس، تهدید حق حاکمیت ملی کشورهای منطقه و ایجاد تشنج در خلیج فارس را شدیداً محکوم می‌نماییم.

دوستان عزیز! نمایندگان محترم شورای ملی فلسطین! سازمان ما از گذشته های دور تا امروز دوش به دوش نیروهای رزمنده جنبش مقاومت فلسطین علیه امپریالیسم و صهیونیسم جنگیده است. رفقای آزما درسنگر فلسطین و برای دفاع از آرمان های مقدس خلق شما با افتخار بر سر شهادت رسیده اند. ما امروز نیز خود را در کنار شما احساس می‌کنیم و از مبارزه عادلانه و بی‌حق خلق فلسطین دفاع می‌نماییم.

ما پشتیبانی قاطع خود را از حق خلق فلسطین در تعیین سرنوشت خویش، از مبارزات رها نشیختن خلق فلسطین بخاطر اشدن کشور مستقل و ایجاد حکومتی ملی اعلام می‌کنیم. ما از تشکیل کنفرانس بین المللی صلح خاور میانه با حضور شرکت اتحاد جماهیر شوروی دوست وفا دار خلق فلسطین، حافظ وفادار من صلح در جهان و سازمان آزادیبخش فلسطین بعنوان تنها نماینده قانونی ملت فلسطین قاطعانه دفاع می‌کنیم. ما از کوشش های وحدت جویان فلسطین و خستگی ناپذیری که با هدف یکپارچگی و تقویت سازمان آزادیبخش فلسطین صورت گرفته و می‌گیرد، حمایت می‌نماییم.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) یکبار دیگر تشکیل هجدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین را که بر اساس منی وحدت طلبان فلسطین و امپریالیستی و ملی سازمان های فلسطین برپا گردیده است، به همه شرکت کنندگان بخصوص سازمان آزادیبخش فلسطین تبریک می‌گوید و برای خلق فهران فلسطین و نیروهای مترقی آن، پیروزی های هرچه بیشتر آرزو می‌کند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
دبیر اول - فرخ نگه‌دار / آوریل ۱۹۸۷

کنگره بیستم کا مساول لبنینی شرکت کردند. هئیت نمایندگی سازمان جوانان پیشگام ایران نیز در این کنگره شرکت داشت. مسئول هئیت نمایندگان در جریان سخنرانی خود همسنگی انترناسیونالیستی جوانان ایران با جوانان شوروی و کنگره بیستم کا مساول لبنینی را اعلام داشت و ضمن افشای جنابیات رژیم صهیونیستی به مردم جوانان ایران از همبستگی انترناسیونالیستی، جوانان شوروی با مبارزات جوانان ایران قفردا نی‌کرد. نماینده سازمان جوانان پیشگام ایران سخنرانی خود تاکید کرد: "جوانان ایران با اشتیاق بسیار به روند نو سازی و تسریع رشد اقتصادی - اجتماعی و ارتقاء جامعه شوروی به سطح کیفیتا نوبن و عالی رشد سوسیالیستی می‌نگرند. ما اطمینان داریم که رشد عظیم صنعتی و علمی و دستاوردهای سیاسی، ایدئولوژیک و فرهنگی جامعه شوروی به شما امکان میدهد که رشد پرشتاب بسوی جامعه شکوفای کمونیستی را به پیش برید."

گفتا بین هجدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین

سی و یکم فروردین هجدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین در الجزایر برگزار خود را آغاز کرد. در این اجلاس کسب ا هجدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین منعقد در آن که بسیاری از نیروهای فلسطینی در آن شرکت نکردند تشکیل میشود، ۶ سازمان عمده عضو شرکت دارند.

تشکیل هجدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین از این نظر حائز اهمیت است که پس از ۴ سال اختلاف نظر مابین گروههای عمده عضو PLO بصورت متحدی شرکت سازمانهای الفتح، جبهه خلق برای آزادی فلسطین، جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین، حزب کمونیست فلسطین، جبهه آزادی فلسطین و جبهه آزادی عربی تشکیل می‌گردد.

بر اساس موضوعی و مباحثه های رهبران فلسطین موافقت اصول پیرامون لغو موافقتنامه امان که یکی از اساسی ترین اختلافات گروههای نامسرده طی ۴ سال گذشته بوده است صورت پذیرفته و امید میرود که اجلاس هجدهمین شورای ملی فلسطین در ایجاد وحدت و دستیابی برخط، و منی واحد موفقیت کسب نماید.

عمده ترین مطلبی که در دستور کار اجلاس الجزایر قرار دارد، بررسی دستیابی PLO به سیاست منی روشن جهت شرکت در کنفرانس صلح خاور میانه، تدوین منی PLO برای مبارزه آتی، و اطلاعاتی چند در عرصه مسائل سازمانی است. اجلاس هجدهمین شورای ملی فلسطین روز ۳۱ فروردین با شعار هجدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین، اجلاس وحدت ملی، اجلاس مقاومت اردوگاههای فلسطین و توده های سرزمینهای اشغالی افتتاح خواهد شد.

بدعت سازمان آزادی بخش فلسطین، هیات نمایندگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اجلاس شورای ملی فلسطین شرکت دارد.

کامسامول: گارد جوان نوسازی

۲۶ فروردین بیستم کنگره اتحادیه لبنینی را بری جوانان کمونیست شوروی در مسکو کشا پیش یافت. ۴۸۰۰ نفر به نمایندگی از سوی بیش از ۴۰ میلیون کمونیست جوان در کار این کنگره شرکت کردند. کنگره بیستم، یک کنگره عادی نبود. این کنگره در محیطی پر شور و در فضایی تحولات انقلابی و عمیقی که اینک اتحاد شوروی از سر میگذرانند، برگزار گردید. مسئله اساسی کنگره بررسی نقش و مقام کا مساول لبنینی در مرحله کنونی رشد و تکامل جامعه شوروی و سیاست دموکراتی سوسیالیستی و چگونگی شرکت آن در امر بازسازی بود.

در دو روز کنگره، گارباچف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، منی حزب کمونیست اتحاد شوروی شیتیه جوانان و وظایف کا مساول و همه جوانان شوروی را در امر نوسازی مورد بررسی قرار داد. گارباچف جوانان شوروی و کا مساول را به شرکت فعالانه در روند نوسازی، در گسترش دموکراسی سوسیالیستی، علنیت و مبارزه با بوروکراتیسم فراخواند. او گفت "امروز کا مساول باید گارد جوان نوسازی باشد."

گارباچف تاکید کرد، حزب در جهت گشودن افقهای تازه، دادن میدان استقلال به جوانان، ایجاد کلیه شرایط برای شرکت توده ای آنان در روند نوسازی و دموکراتیزاسیون جامعه و بهبود وضع و تامین اجتماعی جوانان، گام بر خواهد داشت. رهبر شوروی از جوانان خواست در مدرنیزاسیون اقتصاد، تلفیق دستاوردهای انقلاب علمی - فنی با برتریهای سوسیالیسم و فراگیری دانش و فرهنگ فعالانه تر از پیش مبارزه کنند. گارباچف گفت: "کا مساول بشو به خسود میتواند و باید پیشاپیش راهیابی بسوی دانش حرکت کند." او خطاب به جوانان گفت: "باید هیچکس را آرام نگذارید" و "به همه کارکنان شوروی کار داشته باشید."

کنگره یکصد از رهنمودهای رهبر حزب پشتیبانی کرد. در قطعنامه پایانی کنگره کا مساول ها و همه جوانان شوروی به پشتیبانی فعالانه از منی حزب و به اجرای همه جان منی مصوبات کنگره ۲۷ ویلنوم ژانویه ۱۹۸۷ فراخوانده شدند. در قطعنامه گفته شد که "کا مساول با شرکت در نوسازی، خود نوسازی میشود. کنگره همچنین تصریح شد که بین جنبه دموکراتیک کا مساول و شیوه های کهنه شده بوروکراتیک رهبری هنوز تضاد وجود دارد. کنگره برای رفع این تضاد منن جدید اساسنامه را تصویب کرد. تغییرات جدید در اساسنامه اساساً متوجه گسترش حقوق سازمانهای کا مساول و پیشبرد دموکراسی و تشویق ابتکار در میان جوانان است. روز ۲۱۴ هئیت نمایندگی از ۱۱۳ کشور جهان در راستای منافع خلق های منطقه از جمله مردم میهن ما می‌نماییم. بگذار تا آفتاب صلح و سعادت در آسمان افغانن، کشور همسایه ما تابناک گردد. پیروزی مردم افغانن، آرامش و رفاه آستانن، آرزوی زحمکنان ایران و الهام بخش مبارزه شان علیه ارتجاع ها را بر ایران است."

افغانستان دموکراتیک:

نهمین سالگرد انقلاب نور گرمی باد

۸ سال پیش روز ۱۷ اردیبهشت ۵۷ زمانی که مردم بیخون ما با پاهای رژیم شاهنشاهی را بلرزاند، راورده بودند و با نجات حیات سلطنت را رقم می‌زدند، افغانستان رژیم "داوود" توسط نظام میسان انقلابی سرنگون گردید و با پاهای با تحقق یک انقلاب مردمی فراهم شد. انقلاب شور، علیه رزم خیم های با کتاهی که دشمنان داخلی و امپریالیسم بریکر وارد آورده اند کمک اتحاد شوروی و دیگر رزمستان جهان ای در برابر دشمنان انقلاب می‌رزد. برآه خود را از درون انبوه دشواریهای داخلی و خارجی می‌کشد.

جمهوری دموکراتیک افغانستان، حاکمیت سبعت از انقلاب شور و سرگرا تقدیران است که تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، انجام تحولات بنیادی جامعه، رسیدن به استقلال واقعی و تحقق عدالت اجتماعی را اساس برنام خود اعلام کرده است و در راه ریشه کن کردن سلطه صدها ساله خانها و فئودالها و عوامل امپریالیسم، شرکت و واقعی مردم در عرصه های گوناگون حیات اجتماعی سیاسی و تامین برابری و برابری میان خلق هسا، اقدام و فعالیت بر می‌دارد.

ارتجاع داخلی و امپریالیسم آمریکا و نوکران منطقه ای آن که از همان ابتدای انقلاب شور و ثبات و تحکیم جمهوری دموکراتیک افغانستان را با "منافع حیاتی" خود متضاد دیدند، بویژه اینکسبه انقلاب ایران تغییرات جدی در توان قوای منطقه ایجا کرده بود، برای جلوگیری از ادامه حیات افغانستان دموکراتیک و به شکست کشاندن انقلاب شور و تنگی را در این کشورها از زنده کشیده های آن هنوز مردم بیگناه قربانی می‌گیرند.

حزب و دولت انقلابی افغانستان، برای پایان بخشیدن به جنگ ناخواسته و تحمیلی که تاکنون از سرعت روند تحولات جامعه گامسته است، همه نیروهای خود را یک جاییه معاهده و فراخواندن ملی، اعلام آتش بس یک جانبه علیه دولت، حتی همه نیروها و شخصیت های سیاسی مخالف دولت، حتی سرکردگان نیروهای مسلح که تاکنون با حکومت جنگیده اند، به ترک مخالفت و مخاصمه و شرکت در دولت ائتلاف ملی، برای انجام تحولات اجتماعی و ساختن افغانستان آزاد با دوستی و دموکراتیک، از جمله تلاش های مهمی است که تحقق آنها راهگشای افغانستان سعادت مند آینده خواهد بود.

تقویت تلاش های دولت افغانستان در راه تحقق آماجای مدنظر سیاست "مصلحه ملی" و وظیفه همه نیروهای مترقی در منطقه و جهان است. بویژه زمانی که امپریالیسم آمریکا بر فعالیت های خود برای تجیز ارتجاع داخلی و هماهنگی عملیات ضد افغانی با کاستن و جمهوری اسلامی می‌افزاید، مسئولیت نیروهای انقلابی منطقه، از جمله جنبش مترقی ایران در دفاع از افغانستان انقلابی سنگین تر از گذشته خواهد بود.

ما در نهمین سالگرد انقلاب مردمی شوربا ردیگر از کوشش های ارزشمندی که حزب و دولت انقلابی افغانستان برای خاتمه جنگ و تحقق "مصلحه ملی" در راستای تامین سعادت مردم افغان بعمل می‌آورد و روند قاطعانه حمایت می‌کنیم و با نجات جنگ و خورنیزی و برقراری آرامش در افغانستان از رادر

پیام احزاب برادر و سازمانهای مترقی

به مناسبت سالگرد بنیانگذاری سازمان

۱۹ بهمن، شانزدهمین سالگشت تولد سازمان ما عرصه پرشکوهدیگری از همبستگی احزاب کمونیست و کارگری و نیروهای انقلابی و ترقیخواه جهان بسا فداشیا ن خلق بود. پیام های تبریکی که به همین مناسبت از سوی احزاب برادر سازمانهای انقلابی و ترقیخواه و صلح دوست خطاب به فداشیا ن خلق و برای کمیته مرکزی سازمان ارسال شده است، بسا نگرینتیبائی میلیونها تارگر و زحمتمکش در چهار گوشه جهان از مبارزات مردم ایران علیه رژیم خمینی است.

ما ضمن سپاسگزاری از کلیه احزاب و سازمانهای که با ارسال پیام همبستگی و پشتیبانی خود را از مبارزات مردم ایران اعلام کرده اند، نام برخی از آنان را در این شماره درج می کنیم:

حزب کمونیست آلمان، حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا، حزب دموکراتیک خلق افغانستان، حزب کمونیست اسپانیا، حزب کمونیست آفریقا، حزب سوسیالیست استرالیا، حزب کمونیست بریتانیا، حزب کمونیست چین، حزب کمونیست بلژیک، حزب کمونیست پاکستان، حزب کمونیست دانمارک، حزب سوسیالیست چسب دانمارک، حزب سوسیالیست مردمی دانمارک، حزب کمونیست کارگری سوئد، حزب کمونیست نیپال، جنبش حزب انقلابی نیپال (مهر)، حزب کمونیست عراق، حزب کمونیست فرانسه، حزب کمونیست فلسطین، جبهه خلقی برای آزادی فلسطین، حزب کمونیست فیلیپین، حزب کمونیست کانادا، حزب مترقی خلق کانادا، حزب کمونیست هند، حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست)، حزب سوسیالیست انقلابی هندوستان، جبهه سراسری پیشروهند، حزب کمونیست هلند، کنفدراسیون ایتالیایی عمومی کار، سازمان صلح و صلح سلاج ایتالیا، شورای صلح بریتانیا، شورای صلح آمریکا، شورای همبستگی فیلیپین، جنبش آزادیبخش بلوچستان (پاکستان)، کمیته همبستگی ضد امپریالیستی با آفریقا، آسیا و امریکای لاتین، سازمان جوانان حزب کمونیست دانمارک، سازمان جوانان حزب سوسیالیست استرالیا.

پیروزی کمونیست های هند

جبهه چپ و دموکراتیک هند که حزب کمونیست هندو حزب کمونیست هند (مارکسیست) نیروی عمده آن را تشکیل می دهند در انتخابات اخیر که روز ۲۲ مارس در سراسر هند برگزار گردید به پیروزیهای چشمگیری نایل آمدند. جبهه چپ و دموکراتیک با احزاب اکثریت کرسیهای مجلس دروا ب لنت بر جمعیت سنگال غربی و کرا لاوتیزدر یک ایالت تازه تاسیس بنام "آرناچال" در منطقه مرزی بین چین و هند، بر حزب کنگره، حزب حاکم و نیروهای دست راستی فائق آمد.

پیروزی قاطع "جبهه چپ و دموکراتیک" در این دوران انتخابات، مخصوصا برای حزب کنگره هندو را حیوانندی نخست وزیر هند یک شکست جدی است. رای جوگاندی اندکی قبل از انتخابات اعلام کرده بود که ما باید هم اکنون این جبهه سرخ را برانکنده کنیم و گرنه بعدها هیچگاه از عهد آن سرخوایم آمد. نتایج انتخابات نشان داد که بویژه ای دهننگان در گوالا و بنگال بین دنیویروی اصلی رقیب در انتخابات یعنی حزب کنگره و "جبهه چپ و دموکراتیک" قطب بندی شده اند، مردم زحمتکش این دو ایالت با دادن رای به جبهه، اعتماد خود را به احزاب شرکت کننده در جبهه اعلام داشتند. پیروزیهای جبهه خودبا عش شده است که تعداد طرفداران آن در بسیاری نواحی بویژه مناطق روستایی افزایش یابد. جبهه چپ و دموکراتیک بسا توجه به اعتمادی که توانست در این ایالات بدست آورد می رود تا جایگاه واقعی خود را در میان مردم هندوستان احراز کند. موقعیت بدست آمده و نتایج حاصله از آن و اعتمادی که مردم به جبهه کرده اند عزم احزاب درونی جبهه بویژه کمونیستها را به ادامه مبارزه برای کسب موفقیت جدید در جاده معاصرتر کرده است.

ما موفقیت های اخیر حزب کمونیست هند و حزب کمونیست هند (مارکسیست) را که شمره فاعلیت و نتیجه کار بست مکی درست و ارزنده احزاب نیروهای چپ و دموکراتیک است، مصیمانه نادشاید می گوئیم و امیدواریم که این پیروزی را به گشای پیروزیهای بزرگتر برای کمونیستهای هند در جهت تحقق منافع واقعی مردم سراسر هند در راه صلح، دموکراسی، پیشرفت اجتماعی و سوسیالیسم باشد.

بیاد شهیدان فروردین

سپیده سیام فروردین در تپه های اوین تغییر گلبه های آسمان سحر را شکافت و هفت فداشیا قهرمان، از زهربران و بنیادنگاران سازمان ما و در کنارشان دو مجاهد خلق به خاک افتادند. رفیق بیژن جزینی و رفقا حسن ضیا ظریفی، محمود جویا نژاد، سعید مشغوف کلانتری، عزیز سرمدی، احمد جلیل افشار و عباس سورکی با عزم و روزم خویش سازمان فداشیا ن خلق را باقی نگذاشته و بسا مسرگ قهرمانانه خویش سنت و فاداری تا به آخر به آرمایان سازمان ما رسانیدند. به آرمایان های طبقه کارگر و توده های رنجبر را شکوفا و شکوفا تر ساختند.

وقتی عملیات بسیا هکل آغاز شد، سه سال از ابارت رفیق بیژن می گذشت. دشمن که به نقش هدا بنگر او در حیات سازمان واقف بود، وی را از زندان مقبیه تهران منتقل کرد تا از نزدیک مراقب فعالیت او باشد و عرصه کار را برای او تنگ کند، اما بیژن معتقد بود انقلابی تا زنده است با پیدرکار آموختن و عمل با دانشجویان خود و درگاه نبرد است. او می گفت: "اگر ما عزم مبارزه داشته باشیم حتما راههای آن را هم می توانیم پیدا کنیم". بسا این درک بود که او بیاری بسا پسر هم روزمانش بویژه رفیق حسن ضیا ظریفی، زندان را به دامنش داد تا انقلاب تبدیل کرد و خود به سر مشق شایسته هزاران انقلابی در بند و مشغول آنها می بارزان در دفاع از سازمان خویش تبدیل شد. رفیق بیژن جزینی با کار و بیگاری انقلابی خود در زندان، فرهنگ و سنت مقاومت زندانیان بسیا را قوتی تر کرد، او بسا استفا ده از همه وقت و امکانات تا چیز زندان را لحظه ای اسارت را نیز فتح کرد و بسا جمع بست افکار، تجارب و حاصل مطالعات خویش در قالب جزوات و کتابهای که به خارج از زندان راه می یافت، نقشی برجسته در هدا یات و ارتقا سازمان ایفا کرد. تا کید رفیق بیژن بر ضرورت فعالیت سیاسی

توطئه سکوت رژیم رادرم شکنیم

حزب توده ایران اعلام کرده است که از سر نوشت رفقا عبدالحسین آگاه، علی گلایز، حیدر مهرگان و کاکیک آوا نمیان که به بیش از چهار سال پیش در اثر بیوشی تا جوار نمرده نروژیم خمینی به حزب با زندانست شده و تحت شکنجه های وحشیانه قرار گرفتند، هیچگونه اطلاعی در دست نیست. رژیم چنانکتا رخمینی تاکنون از اسرار هرگونه خبری دربار سر نوشت این رفقا اسامتناع کرده و بسا توطئه سکوت و دیلان خود، نگرانی نسبت به سر نوشت آنها را برانگیخته است.

آخوندکها جا کم که در سرگوب می بارزات حق طلبانه مردم ایران، اختناق و آزادی کشتی و شکنجه و اسدام شریف ترین فرزندان انقلابی خلق گوی سبقت را از مهر بروده اندوسا را با کارنات آلمان بسا و ننگین است، رژیم که از دست یاز به ردیلاسه ترین شیوه های تفتیشی معاقب، اختناق و شکنجه نیروهای مترقی بسا بویژه انقلابیون کمونیست با ندادرد، مذبوچانه می گوید بسا توسل به این جنایات چندصبا حی بر عرعر شکنج خود بسا فزا بد.

سازمان ما بسا تمام نیرو و در افشای توطئه های رژیم جنایتکار رخمینی علیه جان همه زندانیان سیاسی کشور می گوید و نگرانی عمیق خود را از سر نوشت این رفقای توده ای ابراز می دارد.

سازمان ما، از همه احزاب سازمانها و محافل ترقیخواه و آزاده جهان، از همه سازمانها، نیروها، محافل و شخصیت های مترقی، آزاده و شریف ایران می خواهد علیه توطئه های رژیم تپیکار رخمینی نسبت به جان زندانیان سیاسی کشور، فربا دا عتراف خود را بسا تر سازند، رژیم خمینی را از پیشبرد اهداف پلیسید و جنایتکاریش بازدارند و توطئه سکوت رژیم در باره سر نوشت این رفقا رادرم شکنیم.

منتشر شد

شماره ۱۴ (اسفند ۱۳۶۵) نشریه "موزشایی از انقلاب و سوسیالیسم" با مطالب زیر منتشر شد:
۱- نخستین انقلاب خلقی دوران امپریالیسم وادیمزاکلادین
۲- مراحل انقلاب ما از اسناد حزب کمونیست آفریقای جنوبی
۳- تجربه تاریخی انقلاب کوبا: جوانب عام و خاص
۴- اتحاد علیه استبداد: راهها و اشکال مبارزه لوی کوروا لان، دبیرکل حزب کمونیست نیپال
۵- بحث و تبادل نظر پیرامون مبارزات ایدئولوژیک سا نترالیسم دموکراتیک
ع گذشته و ما ی آفاناسیف
* * *

در میان توده ها و ارادئه تحلیل های واقعا گرایان در مورد شرایط عمومی ایران و اشکال سیاسی و مناسبت مبارزه، تا شرات بسا رعمیقی در سازمان برجسا؛ گذاشت. توجه بیشتر به فعالیت در مبارزات رگسری و توده های سازمان بعد از سال ۵۴، از نتایج مستقیم تا شیر نظرات و در سازمان بود، بسیژن همه دانستند و آگاهی خویش را برای تقویت فضای سیاسی و تربیت کارهای انقلابی بکار بست.

تجربه تلخ از دست رفتن رهبری سازمان، که در آن زمان در سیمای رفیق جزینی و بارانش ششمین می یافت، در ضربات سالهایی بعد بسا زهم تکرار شد، اما فداشیا ن هر بسا مصمم بسا بسا خاستند و تجربیات گذشته توشه راه آینده شد. رژیم ایرومنی خمینی نیز بسا ی خام بسا بیرونی سازمان را در سر می پروراند، اما فداشیا ن شکنجه گاه های خمینی را نیز فتح کردند، بسیت های آفا زمین اب سرود را "رضیها"، "غیرایها"، "خیشمیها"، "مینه ها" و "شیداگها" و دیگر باران قهرمان ما زمزمه کرده اند. آخرین درسامه زندگی انقلابی بیژن و بارانش بسا شهادتشان رقم خورد. میراث انقلابی شهادت فروردین آشین با یداری دربارا بردشمن، با یدندی بسا و رههای علمی و مردمی، روحیه بیگاری و جدی و امید به آینده، سنت گرامی سازمان ما ست که در مقاومت هر روز فداشیا ن در شکنجه گاه های رژیم، در مبارزه بیگاری در راه آگاهی و تشنگی کارگران و زحمتکشان و میهن و ایمان بسا بسا پیروزی بسا داشته می شود. آتش عشق که در جان بیژن شعله ور بود، با آموختن میراث های انقلابی او از سینه هزاران فداشیا دلیر شعله می کشد. باران بیژن این آتش را بسا می داند. چرا که برای فتح فداد و بسا ی گذرا از این شبهه با یدونرافشای مشعل فاد را در استواری گامها بمان در عمل انقلابی و شویاری و تسلیم ناپذیری در برابر دشمن، نگهبان بسا شیم.

سربازان وظیفه! ارشیا ن آگاه! بسیجیهای مخالف جنگ! راه دستیابی به صلح، تنها تشدید مبارزه است. جبهه ها را به میدان تبلیغات ضد جنگ و ضد رژیم تبدیل کنید. در عملیات و حملات شرکت نکنید. اخبار مقاومت پرستلو مبارزه زحمتکشان در راه صلح و آزادی را در دستگیرها بسا کنید. با نزدیکترین و مطمئن ترین دوستان خود هسته های کوچک تا ۳ نفری و کاملاً مخفی را تشکیل دهید و فعالیت انقلابی را در جبهه ها و بسا دگانتها گسترش دهید. سازمان فداشیا ن خلق ایران (اکثریت)

با کمک مالی سازمان رایاری کنید!

اعفاء، هواداران و دوستان سازمان بسا بیگاری مقدس ما برای اینکه میهن باستانی ما، همیشه آزاد باد، همیشه نوروز و بسا اران با تشبه تلاش همه ما برای بسیج همه امکانات و بکارگیری حدا کشر توانمان بسا زمندانست سازمان ما برای آنکه مبارزه علیه جنگ و رژیم تپیکار را در همه جهات گسترش دهد، بسا زمندانگ مالی شارفقای گرامی است.

در روزهای نوروزی، رفقا و دوستان را بسا بسا مالی سازمان ما، بسا ضرورت کمک مالی به فداشیا ن خلق ایران آگاه کنیم!

آدرس: Pf. 10 1091 WIEN AUSTRIA
اتریش
حساب بانکی: AUSTRIA - WIEN BAWAG
NR. 029 10701 - 650
DR. GERTRAUD ARTNER

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!